

Entrepreneurship as an Unbridled Wheel: A Critical Reflection on the Linear and Rhizomatic Implications of Entrepreneurial Experiences

Ali Ayar^{1✉}

1. Corresponding Author, Department of Social Sciences Education, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: Aliayar@cfu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received:
20. 10. 2025
Revised:
24. 12. 2025
Accepted:
25. 12. 2025

Keywords:

Entrepreneurship,
Critical Sociology,
Entrepreneurial
Consequences,
Critical Entrepreneurship
Studies.

ABSTRACT

Introduction: Entrepreneurial studies, largely shaped by neoliberal economic discourse, have predominantly adopted a linear analytical lens, focusing on the material and instrumental outcomes of entrepreneurship. Challenging this orthodox view, the present article draws upon critical sociology to advance the foundational premise that entrepreneurship is inherently a transformative and heterogenetic phenomenon, carrying unintended consequences that differentially affect various social groups. To empirically examine this proposition, the study investigates the multifaceted consequences of entrepreneurial experience-specifically, the cooperative water-pumping stations in Dareh Shahr County, Ilam Province, Iran.

Methodology: This evaluation research adapts and repurposes the POSTEL framework to systematically assess the consequences of the aforementioned entrepreneurial initiative for its surrounding environment. Data were collected through semi-structured interviews conducted with 22 participants, comprising both key informants and stakeholders, and continued until theoretical saturation was achieved.

Findings: Contrary to the conventional linear narrative that reduces entrepreneurial outcomes to profitability and employment generation, the findings reveal a complex constellation of both positive and negative repercussions spanning political, economic, social, environmental, technological, and legal domains. On the positive side, the entrepreneurial experience contributed to income generation, the emergence of ancillary and processing industries, reinforcement of social cohesion, population retention, cultivation of a work ethic, expansion of cultural and artistic activities, mitigation of political dissatisfaction, enhancement of stakeholders' technical competencies, smartification of water resource management, and the financial innovation of defining land as bank collateral for cooperative members, alongside a reduction in environmental pollution. However, a decade of insufficient oversight and governance has simultaneously precipitated adverse outcomes, including growing social inequality, monopolization of water resources, wastage of virtual water, and progressive soil salinization.

Conclusion/Implications: By cultivating analytical sensitivity toward the heterogeneous consequences of entrepreneurship, this article demonstrates that entrepreneurial activity is best understood through a rhizomatic lens-capable of producing simultaneous and often contradictory effects on its milieu, ranging from solidarity, demographic stability, and welfare enhancement, to inequality, exploitation, and ecological degradation. In this light, entrepreneurial actions should be conceived not as terminal endpoints, but as multiple, unpredictable, and indeterminate points of departure. The intent here is not to denigrate entrepreneurship, but to advocate for a critical engagement with it-one that envisions a more humane and more equitable entrepreneurial praxis. This entails forging conceptual and practical linkages between entrepreneurship policy, emancipatory politics (to redress inequalities), and life politics (to expand capabilities for a flourishing life for all). Ultimately, the article poses a foundational ethical question: How can entrepreneurship be reconstituted as a thoroughly ethical practice?

Cite this article:

Ayar, A. (2026). Entrepreneurship as an Unbridled Wheel: A Critical Reflection on the Linear and Rhizomatic Implications of Entrepreneurial Experiences. *Journal of Entrepreneurship Research*, 5 (1), 1-24.
DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2025.2075316.1361>



© The Author(s).

Publisher: Ilam University Press.

کارآفرینی به مثابه گردونه بی‌مهاری:

تأملی انتقادی بر پیامدهای خطی و ریزومی تجارب کارآفرینانه

علی ایاری^۱^۱ نویسنده مسئول، گروه آموزشی علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. رایانامه: Aliayar@cfu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

مقدمه: مطالعات کارآفرینی، متأثر از گزاره‌های اقتصاد نئولیبرال و با اتخاذ رویکردی خطی، بیشتر بر دستاوردهای مادی و ابزاری کارآفرینی متمرکز شده‌اند. مفروضه بنیادین این مقاله، متأثر از گزاره‌های نظری جامعه‌شناسی انتقادی، عبارت است از اینکه کارآفرینی پدیده‌ای «دگرزا» با پیامدهای «قصدا نشده» است و می‌تواند برای گروه‌های مختلف اثرات متفاوتی داشته باشد. به منظور بررسی این مفروضه، پیامدهای تجربه کارآفرینانه شرکت‌های تعاونی ایستگاه‌های پمپاژ آب در شهرستان دره‌شهر استان ایلام مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نوع تحقیقات ارزیابی است. به این منظور، با تغییر کاربرد روش پستل، درصدد مطالعه پیامدهای تجربه کارآفرینی مذکور برای محیط پیرامون برآمده است. بدین منظور ابتدا با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته تا نیل به اشباع نظری، با ۲۲ نفر متشکل از خبرگان و ذی‌نفعان مصاحبه شد تا پیامدهای تجربه کارآفرینی مورد مطالعه، اکتشاف گردد.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق نشان داد که تجربه کارآفرینی مورد مطالعه، برخلاف منطق خطی حاکم بر مطالعات کارآفرینی که تنها بر پیامد سودآوری و اشتغال‌زایی تأکید داشته‌اند، دارای پیامدهای مثبت و منفی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، تکنولوژی و حقوقی است. این تجربه کارآفرینی با پیامدهای مثبتی همچون ایجاد درآمدزایی، تأسیس صنایع جانبی و تبدیلی، حفظ همبستگی اجتماعی، ماندگاری جمعیت، تقویت روحیه سخت‌کوشی، گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری، کاهش نارضایتی سیاسی، ارتقای مهارت فنی ذی‌نفعان، هوشمند سازی مدیریت آب، تعریف زمین به‌عنوان آورده بانکی برای اعضای تعاونی‌ها و کاهش آلودگی محیط‌زیستی همراه بوده است. با این حال، فقدان نظارت و مدیریت در دهه گذشته سبب بروز پیامدهای نامطلوبی همچون نابرابری اجتماعی، انحصاری شدن آب، هدر رفت آب مجازی و شور شدن اراضی گردیده است.

نتیجه‌گیری / دستاوردها: این مطالعه با ایجاد حساسیت نسبت به پیامدهای کارآفرینی نشان داده است که کارآفرینی به‌مثابه امری «ریزومی» قابل توضیح است؛ زیرا به‌صورت هم‌زمان می‌تواند اثرات مطلوب و نامطلوب بر ابعاد مختلف محیط پیرامون خود داشته باشد؛ از افزایش همبستگی، ماندگاری جمعیت و رفاه گرفته تا ایجاد نابرابری، استثمار و آلودگی‌های محیط‌زیستی. به‌عبارتی دیگر، کنش‌های کارآفرینانه به‌جای آنکه نقطه پایان تلقی شوند، باید نقطه آغازهای متکثر، پیش‌بینی نشده و نامشخص محسوب شوند. هدف این مقاله تخطئه کارآفرینی نیست؛ بلکه طرح مواجهه انتقادی با کارآفرینی به‌منظور نوید تحقق صورتی «انسانی‌تر» و «عدالانه‌تر» از کارآفرینی و همچنین طرح پیوند «سیاست کارآفرینی» با «سیاست رهایی‌بخش» در جهت رفع نابرابری و «سیاست زندگی» است؛ یعنی تلاش برای توسعه امکانات برخورداری و زندگی رضایت‌بخش برای همگان و در نهایت طرح این پرسش که چگونه می‌توان کارآفرینی را به عملی «اخلاقی» مبدل ساخت؟

نوع مقاله:

مقاله علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۷/۲۸

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۴/۱۰/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۰/۰۴

کلیدواژه‌ها:

کارآفرینی،

جامعه‌شناسی انتقادی،

پیامد کارآفرینی،

مطالعات انتقادی کارآفرینی.

استناد: ایاری، علی. (۱۴۰۵). کارآفرینی به‌مثابه گردونه بی‌مهاری: تأملی انتقادی بر پیامدهای خطی و ریزومی تجارب کارآفرینانه. *مجله پژوهش‌های کارآفرینی*، ۵ (۱)، ۱-۲۴.

DOI: <https://doi.org/10.22034/jer.2025.2075316.1361>

ناشر: انتشارات دانشگاه ایلام

© نویسندگان.



مقدمه

رابطه بین جامعه و کنش‌های کارآفرینانه، رابطه‌ای دوسویه است. شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، تکنولوژیک و قانونی، پیش از شروع یک فعالیت کارآفرینانه، می‌توانند در نقش مانع، محدودکننده یا یاری‌دهنده ظاهر شوند. اگرچه سؤال محوری این مطالعه، پرسشی «پساکارآفرینی» است (یعنی کارآفرینی بر جامعه یا نظام اجتماعی در ابعاد مختلف آن، چه پیامدهایی دارد؟) اما این پرسش در پارادایم هنجارین کارآفرینی، پرسشی مغفول یا غایب محسوب می‌شود. مطالعات کلاسیک و مدرن کارآفرینی، آگاهانه یا ناآگاهانه، حوزه‌ای مهم اما مرتبط با کارآفرینی - یعنی پیامدهای آن - را نادیده‌اند و ناپژوهیده رها کرده‌اند. آن‌ها با تلقی «نوش‌دارویی»^۱ و «آرمان‌شهری» از کارآفرینی، مجال استیضاح این پدیده را به امری ناممکن تبدیل کرده و همچنان کارآفرینی را محور دستیابی به پیشرفت اجتماعی-اقتصادی و حل چالش‌های بزرگ زمان ما تعریف می‌کنند (Weiss et al., 2023). از زمان طرح مفهوم کارآفرینی تا دهه اخیر، تمرکز بر ویژگی‌های کارآفرین و مدل‌های کارآفرینی بوده است. اگرچه سوئدبرگ (Swedberg, 2005) بر ضرورت توجه به پیامدها و اثرات کارآفرینی بر جامعه تأکید کرد، اما تنها در دهه اخیر است که از منظری متفاوت و انتقادی به کارآفرینی پرداخته شده است. امروزه نگرانی‌های زیادی در ارتباط با کارآفرینی در حال شکل‌گیری است. از جمله این نگرانی‌ها، آن است که گفتمان کارآفرینی نباید ایدئولوژی بازار را بازتولید کند و با نظام‌های ستم و محرومیت همسو شود (Verduyn et al., 2017). این نگرانی، توسعه را در معنای عام آن در بر می‌گیرد؛ مردم حتی در کشورهای پیشرفته نیز خستگی خود را از توسعه‌ای که منجر به بهبود زندگی نشده، اعلام کرده‌اند (Giddens, 1997)؛ زیرا رهایی و ستم^۲ هر دو از ویژگی‌های ذاتی کارآفرینی هستند (Verduyn et al., 2014). نقدها و انتقادات به کارآفرینی و ضرورت عبور از کارآفرینی به‌عنوان مفهومی صرفاً «اقتصادی»، از دهه پیش آغاز شده است. ادبیات انتقادی گسترده‌ای وجود دارد که هدف اصلی آن روشن‌سازی ماهیت آشفته، ناهمگن و مشکل‌ساز کارآفرینی است و آن را به‌عنوان «شبکه‌ای پیچیده از فعالیت‌های درهم‌تنیده اجتماعی-اقتصادی و سیاسی» درک می‌کند (Tedmans et al., 2012; Verduyn et al., 2017). پرسشی که از منظر عقل سلیم می‌تواند به‌مثابه محور اصلی استیضاح کارآفرینی مطرح شود، عبارت است از: آیا کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه توانسته‌اند در عادلانه‌تر شدن زندگی اجتماعی، کاهش شکاف طبقاتی و توسعه پایدار مفید باشند یا نه؟ پرسش‌هایی از این دست، مسیر تحلیل و مطالعات کارآفرینی را به مطالعات انتقادی پیوند می‌زنند. مطالعات انتقادی کارآفرینی^۳ پاسخی است به نیاز جامعه امروز که به‌شدت از نابرابری رنج می‌برد؛ زیرا کارآفرینی و تجارب کارآفرینانه، در صورت عدم نظارت و بی‌توجهی به پیامدهای اجتماعی، می‌توانند حاشیه‌ها، طردشدگان، استثمارشوندگان و استثمارگران جدیدی را زیر سایه خود شکل دهند. مطالعات انتقادی کارآفرینی از نقد تصور عمومی کارآفرینی در جوامع علمی شکل گرفته است؛ تصویری که کارآفرینی را به پدیده‌ای مبتنی بر ویژگی‌های فردی و بازار خلاصه کرده که در نهایت به سرمایه‌گذاری و سود منتهی می‌شود (Verduyn et al., 2017).

محور بنیادین این مطالعه، آن است که کارآفرینی به یکی از قدرتمندترین ایدئولوژی‌های زمان ما تبدیل شده است (Eberhart et al., 2022). این گزاره می‌تواند افق‌های استفاده‌ی نوینی را در مورد کارآفرینی بگشاید. از جمله اینکه اگرچه کارآفرینی دارای پتانسیل رهایی‌بخشی است و می‌تواند نقش مهمی در توانمندسازی، نوآوری، رشد اقتصادی و افزایش رفاه از طریق نوآوری اجتماعی و کارآفرینی فرهنگی ایفا کند، اما می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر زندگی افراد و بر شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی متعددی نیز داشته باشد (Weiss et al., 2023). این وضعیت ضرورت نگاهی نو به کارآفرینی را یادآور می‌شود. کارآفرینی در مطالعات هنجاری و متعارف خود به اشباع رسیده است. شاید زمان آن فرا رسیده باشد که بیان کنیم به

^۱ Ppanacea^۲ Emancipation and Oppression^۳ Critical Entrepreneurship Studies (CES)

«درکی انتقادی و دگرگونه» از کارآفرینی نیاز داریم. مطالعات انتقادی کارآفرینی، با عبور از پرسش‌ها و دغدغه‌های سنتی، درصدد بازتعریف کارآفرینی در پرتو ارزش‌هایی همچون آزادی، رهایی و عدالت اجتماعی است و با به چالش کشیدن دانش موجود پیرامون کارآفرینی، درصدد ارائه خوانشی جدید از آن برمی‌آید (Verduyn et al., 2017). پرسش از عدم «عقلانیت کارآفرینی» باید به پرسشی عام تبدیل شود. کارآفرینی دغدغه تولید ثروت دارد، اما نسبت به پیامدهای آن نگرانی از خود بروز نمی‌دهد. این پژوهش، به لحاظ نظری-مفهومی، با اتخاذ رویکرد انتقادی و با عبور از مفروضات تئوری‌های کلاسیک در خصوص کارآفرینی، به طرح پرسش‌های بدیع و نویی می‌پردازد که ریشه‌هایی تقریباً کلاسیک در خصوص کارآفرینی دارند. از منظر جامعه‌شناسی می‌توان چنین استدلال کرد که امروزه کارآفرینی به پدیده‌ای خودآیین و بی‌ارتباط با جامعه بدل شده است. در نظام نئولیبرال، کارآفرینی از ریشه‌های اجتماعی خود جدا افتاده، ارزش‌های اخلاقی و انسانی مانند عدالت، همبستگی و نوع‌دوستی را به حاشیه رانده و صرفاً بر سود و رشد اقتصادی متمرکز شده است. در این مطالعه، با بررسی یک مورد عینی از تجارب کارآفرینی-یعنی ایستگاه‌های پمپاژ آب شهرستان دره‌شهر-مدلی از توجه به پیامدهای تجارب کارآفرینی در قالب رویکرد انتقادی ارائه خواهیم داد و پرسش‌های به حاشیه رفته در ارتباط با کارآفرینی را با بینشی متمایز به متن می‌کشانیم. پرسش محوری این است که پیامدهای چندگانه (سیاسی، اجتماعی، تکنولوژیک، حقوقی و اقتصادی) طرح کارآفرینانه مذکور برای جامعه محلی چه بوده است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از زمان طرح مفهوم کارآفرینی توسط کانتیلون (Cantillon, 1755) که سود همراه با مخاطره را ملاک کارآفرینی می‌دانست. تا به امروز، تعاریف متعددی از کارآفرین و کارآفرینی ارائه شده است. ژان باتیست سی^۱، کارآفرین را شخصی می‌دانست که با به‌کارگیری نظریه و هدایت امور، فرآیند تولید را پیش می‌برد. ریکاردو^۲، ویژگی کارآفرینی را مخاطره‌پذیری تعریف کرد. بر اساس مدل نئوکلاسیک‌ها می‌توان استدلال کرد که در نهایت، درآمدهای ناشی از کارآفرینی در حالت تعادل بین همگان توزیع خواهد شد. این تنش در میان نئوکلاسیک‌ها ادامه یافت؛ افرادی مانند فرانسیس اج‌ورث^۳، کارآفرین را هماهنگ‌کننده و واسطه می‌دانستند. مارشال به نقش‌های کارآفرینی و کارل منگر و لئون والراس^۴ به مسئولیت‌های کارآفرینان اشاره کردند. حتی در مکتب سنتی اتریشی-آلمانی^۵، فردی مانند شومپیتر^۶، ضمن برشمردن ویژگی‌های کارآفرین و نیاز نظام تجاری به چنین افرادی، تنها اثر فعالیت‌های کارآفرینانه را بر نابودی ساختار بازارهای موجود و زوال شرکت‌های قدیمی می‌داند که در نهایت این چرخه را «تخریب خلاق»^۷ می‌نامد. در مکتب شیکاگو و میان اقتصاددانان نئوکلاسیک از فردریک هاولی^۸، جان بیتس کلارک^۹، اروینگ فیشر^{۱۰}، فراک نایت^{۱۱}، تئودور شولتز^{۱۲}، باز هم بر ویژگی‌های کارآفرینی تأکید شده است. در نهایت، نهادگرایانی مانند رونالد کوز^{۱۳} و الیور ویلیامسون^{۱۴}، وظیفه کارآفرینان را به‌عنوان فعالیتی مدیریتی در قلمرو سازمان تعریف کرده‌اند. در مکتب جدید اتریش نیز همین روند ادامه یافت؛ اگرچه نگاه به اقتصاد در معنای کلی آن تغییر کرد، اما افرادی مانند میزس^{۱۵}، کارآفرین را فردی حساس

¹ Jean Baptiste Say

² Ricardo

³ Francis EdgeWorth

⁴ Carl Menger & Leon Walras

⁵ German-Austrian Tradition

⁶ Joseph Schumpeter

⁷ Creative Destruction

⁸ Frederic Hawley

⁹ John Bates Clark

¹⁰ Irving Fisher

¹¹ Frock Night

¹² Teodere Schultz

¹³ Ronald Coase

¹⁴ Oliver Williamson

¹⁵ Mises

به تغییرات بازار معرفی کردند و ایزرائل کرزner^۱، ضمن تأکید بر هوشیاری کارآفرینانه، متغیر عدم اطمینان را وارد نظریه اصلاح شده خود نمود (Ahmadpour Daraiani, 2012). در ادامه، بسیاری از نظریه‌های غیراقتصادی از جمله رویکرد شخصیتی یا ویژگی‌ها^۲، هیچ تعریف کلی و جامعی از کارآفرین ارائه ندادند و صرفاً بر ویژگی‌های کارآفرین متمرکز شدند. در رویکردهای رفتاری و نظریه‌های ذیل آن نیز توجهی به پیامدهای کارآفرینی نشده است؛ اگرچه پژوهشگرانی مانند وین راج (Winn Ruch, 1981) به همبستگی بین تجربه و موفقیت در حوزه‌های کارآفرینی اشاره کرده‌اند.

در بحث از مدل‌های کارآفرینی، از جمله مدل محتوایی^۳، توجه به ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی کارآفرینی معطوف شده است؛ همچنین در مدل فرآیندی که شامل فرآیند رویدادی و فرآیند چندبعدی است، به پیامدهای کارآفرینی توجهی نشده است. از حیث نظری، تاکنون در مرور ادبیات، با برداشتی خطی با غایتی به نام «سود» و «بهره‌وری» در ارتباط با کارآفرینی مواجه هستیم. حتی با استفاده از مفهوم پراکسیولوژی^۴ می‌زسی نیز قادر به رهایی از فهم خطی کارآفرینی نخواهیم بود؛ زیرا پراکسیولوژی تا آنجا که هدف خود را مطالعه کنش هدفمند انسان به‌طور عام قرار می‌دهد، نظریه‌ای جامع و عام است که شالوده شناختی مناسبی برای پی‌ریزی نظریه‌های گوناگون در علوم اجتماعی فراهم می‌آورد. مهم‌ترین ویژگی پراکسیولوژی، قطعیت یقینی آن است، زیرا بر مبنای اصل کانونی آن (اصل کنش انسانی)، هر فرد برای دستیابی به اهداف خویش، از وسیله و روش بهره می‌گیرد که در ذهن خود به وساطت آن انتظار کسب بهترین نتیجه را دارد. بر اساس همین منطق فراتاریخی و غایت‌مندی است که در مطالعات کارآفرینی منطق خطی حاکم است و تاکنون کمتر مطالعات کارآفرینی به پیامدهای گسترده آن توجه داشته‌اند. اگرچه مفهوم پراکسیولوژی در قیاس با گزاره‌های انتخاب عقلانی که در حوزه اقتصاد و کارآفرینی مرسوم است، تفاوت بنیادین دارد، اما در مجموع در فهم کنش انسانی و کنش‌های کارآفرینانه، عدم‌قطعی‌ها را نادیده می‌گیرد (Rostamian & Motavasali, 2024). با این وصف، می‌توان اظهار داشت که در علم اقتصاد از کلاسیک، نئوکلاسیک، مکتب نهادگرایان تا مکتب اتریش، در مجموع تنها یک تعبیر روان‌شناختی از ویژگی‌های کارآفرینی و یک تعبیر اقتصادی صرف از کنش‌های کارآفرینانه و شخص کارآفرین، بر اساس انسان‌شناسی علم اقتصاد یعنی گزاره «بیشینه‌سازی سود»، ارائه شده است؛ بدون توجه به تعلق اجتماعی، فرهنگی و سایر تعلقاتی که هر فرد به دلیل انسان بودن خود دارا است. بنیاد مقاله حاضر بر همین خلأ نظری استوار است که پس از رخداد «پدیده کارآفرینی»، مختصات محیط اجتماعی میزبان «کنش کارآفرینانه» چه تغییراتی را تجربه خواهد کرد. در حوزه ادبیات کارآفرینی، بیشتر به پیامدهای تجارب کارآفرینانه به‌مثابه بستری برای رویش نوآوری‌های کارآفرینانه بعدی توجه شده است؛ به‌عبارتی دیگر، فهمی «خطی» از پیامدهای کارآفرینی عرضه شده است؛ اما با عنایت به فهم جامعه‌شناختی که کنش‌های انسانی را واجد دو پیامد «نیت‌مند» و «غیرنیت‌مند» می‌داند، فرصت برای فهم پیامدهای ناندیشیده و قصدناشده کنش‌های کارآفرینانه فراهم می‌شود. در صورت اثبات این مفروضه، کارآفرینی و تجارب کارآفرینانه را باید به‌مثابه یکی از عوامل تغییرات در ابعاد متفاوت تلقی نمود.

به‌منظور روشن‌تر شدن فضای نظری-مفهومی بحث، بر رویکردهای جامعه‌شناسی انتقادی^۵، نظریه ساختاربندی گیدنز و فلسفه ریزومی دلوز و گاتاری متمرکز شده‌ایم. از منظر جامعه‌شناسی انتقادی و بر اساس ایده فن‌سالاری^۶، کارآفرینی در معرض سیطره اندیشه فن‌سالارانه است؛ یعنی تلاش برای یافتن بهترین وسایل برای رسیدن به هدف، بدون داوری درباره وسیله و هدف. این وضعیت را با «خرد» می‌توان بهبود بخشید؛ خرد به معنای ارزیابی وسایل رسیدن به اهداف بر اساس ارزش‌های غایی انسانی نظیر عدالت، آزادی و شادمانی است. جامعه‌شناسان انتقادی عقیده دارند که به‌رغم عقلانیت ظاهری نظام سرمایه‌داری، آن

¹ Israel Kirzner

² Trait approach

³ Content Models

⁴ Praxeology

⁵ Critical Sociology

⁶ Technocratic Thinking

یک نظام سرشار از عدم عقلانیت است. این وضعیت را می‌توان «عدم عقلانیت عقلانیت»^۱ نامید. از این منظر، کارآفرینی امروزه علی‌رغم «عقلانیت ظاهری»، در حصار «عدم عقلانیت‌ها» قرار دارد؛ بر این اساس می‌توان استدلال کرد که حوزه کارآفرینی امروز به شدت «عقلانی» است اما «خردمندانه» نیست (Ritzer, 2013). آنتونی گیدنز^۲، از جامعه‌شناسانی است که بر پیامدهای قصدناشده کنش تأکید دارد. وی در نظریه ساخت‌یابی خود، بر اعمال اجتماعی که در طول زمان و مکان نظم یافته‌اند، تأکید دارد. از این منظر، عاملیت به معنای نیت و مقاصدی نیست که افراد در انجام دادن کارها دارند، بلکه در درجه اول به معنای توانایی آن‌ها برای انجام دادن این اعمال است. پیامدهای کنشی که عاملیت آن را انجام می‌دهد، به عنوان پیامدی «غیرعمدی» از انبوه کردارهای نیت‌مندانه مشتق شده است (Emami & Karbasian, 2025). گیدنز معتقد است که جهان مدرن شبیه یک گردونه بی‌مه‌ار است؛ زیرا برخی از اجزاء یا نظام‌های مصنوع را خطا در طراحی تهدید می‌کند. هرچند که یک نظام تخصصی خوب طراحی شده باشد، احتمال خطا در اجرای آن وجود دارد و با وجود طراحی خوب و حتی اجرای خوب، خطر پیامدهای ناخواسته وجود دارد (Giddens, 1997). یک تجربه کارآفرینانه، حتی اگر خوب طراحی شده و خوب در عمل پیاده شود، باز پیامدهای ناخواسته‌ای دارد. پیامدهای فعالیت‌های تکرار که در زمینه‌ای زمانی و مکانی جای گرفته‌اند، دارای پیامدهای قاعده‌مندی برای متن‌ها یا زمینه‌های زمانی-مکانی کم‌وبیش «دور دست» هستند که از جانب کسانی که درگیر این فعالیت‌ها هستند، منظور نشده‌اند. همچنین از منظر فلسفه ریزومی^۳ ژیل دلوز و فلیکس گاتاری نیز می‌توان منظری جدید بر مطالعات کارآفرینی گشود. هستی‌شناسی دلوز، هستی‌شناسی متکثری با زیرمجموعه‌ها و زیربخش‌هایی است که بر ماهیت یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به همین دلیل، «شدن» اصل اساسی رویکرد تاریخی دلوز است. وی تاریخ را «مورفوجنسیس» می‌داند؛ یعنی فرایند شدن، به گونه‌ای که همه امور، رویدادها و اشیاء در هم می‌آمیزند (Mohammdpour, 2017). رشد ریشه گیاهانی که ریزومی هستند، هیچ‌گاه متوقف نمی‌شود و حتی پس از قطع شدن نیز به رشد خود ادامه می‌دهند. هر ریزوم پس از قطع شدن قادر به تولید یک گیاه جدید است. در نتیجه، ریزوم می‌تواند عامل ماندگاری و بی‌پایان بودن رشد یک گیاه تلقی شود. پس ریزوم عامل ارتباط و دگرگونی است و امکان ایجاد شبکه‌ای بی‌پایان را فراهم می‌کند؛ زیرا هر نقطه از آن می‌تواند به نقاط دیگر آن متصل شود. برخلاف درخت که در نقطه‌ای ثابت ریشه می‌گیرد، ریزوم حتی هنگامی که شکسته یا از هم گسسته شود، باز هم می‌تواند حیات خود را از سر بگیرد و در جهات دیگری رشد کند (Shayani Majd, 2025)؛ بنابراین، ریزوم بیشتر بر پیوند تأکید دارد و هر آنچه هست، اتصالات و پیوندهاست که هر دم در حال تغییر و پویش هستند و ماهیت یک موجود چیزی جز اتصالات یا شبکه‌ای که ایجاد کرده و مونتاژهایی که وارد آن‌ها شده، نیست (Zeighami, 2010). باید توجه داشت که گرچه دلوز به عنوان فیلسوفی ضد-بازنمایی شناخته شده است، اما از دید او دو نوع بازنمایی وجود دارد: مشروع و نامشروع، یا دو نوع شناخت: زنده و مرده. یک شناخت و بازنمایی، به صورتی بی‌تفاوت خارج از متعلقش باقی می‌ماند و دیگری ملموس و انضمامی در پی متعلقش، هرکجا که باشد، می‌رود. برای دلوز، ماشین‌های میل‌ورز در پی آفرینش و تولیدند و میل به تجربه اموری تازه دارند و هرگز محبوس در چهارچوب‌ها و قوه‌های پیشین نمی‌مانند. دلوز و گاتاری مفهومی دارند تحت عنوان «بدن بدون اندام»^۴ که به همین مسئله اشاره دارد. ماهیت من محدود به ارگانیسم من نیست، بلکه محدود به گستره شبکه من است و چون این شبکه همواره در پویش و در حال ساختن اتصالات جدید است، من نیز در پویش و در حال تغییر هستم. کنش‌های یک سیستم، اتصالات جدید، صیورت‌ها و دگرگونی‌هایی نو می‌آفریند. دامنه این صیورت‌ها، از همان آغاز قابل محاسبه و پیش‌بینی نیست. در این نوع شدن، آن دو از یکدیگر تقلید نمی‌کنند، بلکه هر کدام به واسطه دیگری به مرتبه دیگری از فعلیت پتانسیل‌ها و بالقوگی‌هایش نائل می‌شود، روی پهنه جدید سازگاری، مونتاژی شکل می‌دهد. دیگر هیچ‌کدام آنی که قبلاً بوده نیست؛ هر یک شدن و صیورورتی را پشت سر

^۱ Irrationality of Rationality

^۲ Anthony Giddens

^۳ مفهوم «Rhizome» توسط ژیل دلوز فیلسوف فرانسوی از زیست‌شناسی به عاریت گرفته شده تا مفاهیم سنتی سلسله‌مراتبی و مرکز‌گرایی را نقد و بر پیوستگی، کثرت و شدن تأکید دارد.

^۴ Body without Organ

گذاشته‌اند و به قول دلوز دچار یک «شدن دوگانه»^۱ و نوعی «همزیستی»^۲ شده‌اند. از نظر دلوز، افزوده شدن یک ریزوم به ریزوم دیگر موجب تغییر سرشت هر دو ریزوم می‌شود. ریزوم همواره در میانه چیزها حرکت می‌کند، فقط مونتاژگر است و بس؛ چیزی که دلوز و گاتاری از آن با نام «نوماد» یاد می‌کنند؛ همواره در حال کوچ و کوچیدن، آواره و بیابان‌گرد، نه تقلیدگر، بلکه تولیدکننده (Zamani Jamshidi & Sharifzade, 2011).

بر اساس فلسفه ریزومی می‌توان استدلال کرد که هر کنش کارآفرینانه‌ای تنها یک آغاز است با نتایج نامشخص و نامعین، گم و ناپیدا، زودآشکار و دیرآشکار؛ هر کنش کارآفرینانه‌ای آغاز مسیری پیچیده است؛ بنابراین، یک محیط وقتی یک فعالیت کارآفرینانه را تجربه می‌کند، دیگر محیط قبلی نیست، بلکه محیط و مسیری از سیورورت‌ها، شدن‌ها و پوشش‌هاست و تبدیل به یک ادامه مسیر می‌شود. بر پایه چارچوب نظری-مفهومی در مقاله حاضر، مطالعات انتقادی این فرصت را فراهم می‌کنند که از منظر ارزش‌های انسانی مانند عدالت، همیاری و نوع‌دوستی به کارآفرینی توجه شود. نظریه ساختاربندی گیدنز، با طرح مفاهیم پیامدهای قصد شده و قصدناشده، یادآور می‌شود که کنش‌های کارآفرینانه با پیامدهای «قصدناشده» مطلوب و نامطلوب همراه هستند. از جهت دیگر، نظریه ریزومی دلوز و گاتاری این مجوز را به پژوهشگران حوزه کارآفرینی می‌دهد تا پیامدهای کارآفرینی و اثر آن را بر محیط‌های مختلف مورد رصد و پژوهش قرار دهند.

پیشینه پژوهش

مطالعات صورت گرفته پیرامون کارآفرینی را می‌توان در چند دسته تقسیم‌بندی کرد:

(الف) مطالعات هنجارین کارآفرینی:^۳ این دسته از مطالعات بر موفقیت کارآفرینان، ویژگی‌های کارآفرینی و در نهایت پیامدهای خطی کارآفرینی و اثرگذاری آن بر وضعیت اشتغال و رفاه متمرکز شده‌اند. از جمله این مطالعات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: علوی‌زاده (Alavizadeh, 2017) نشان داد که کارآفرینی روستایی یکی از عوامل مهم برای اشتغال‌زایی و توسعه پایدار روستایی است. داوری و همکاران (Davari et al., 2023) بر نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی پایدار روستایی تأکید کردند. کافشانی و همکاران (۱۳۹۷) بر انتقال دانش در کسب‌وکارهای خانوادگی متمرکز شدند. طاهری و باشکوه (Taheri & Bashkoh, 2023) به شناسایی پیشران‌های مؤثر بازاریابی دیجیتال در ورود زنان تحت پوشش کمیته امداد به کسب‌وکارهای خانگی پرداختند. پورجمشیدی و همکاران (Pourjamshidi et al., 2022) به طراحی الگوی مفهومی بازدارنده‌های توسعه کوچینگ کسب‌وکار در بازار ایران پرداختند. علی‌زاده مقدم و همکاران (Alizadeh Moghadam et al., 2023) مدل مفهومی شکل‌گیری استراتژی تحول دیجیتال در سازمان‌های خرده‌فروشی پوشاک را ارائه کردند. ذوالفقاری (Zulfiqari, 2023) با انجام یک فراتحلیل نشان داد که سرمایه اجتماعی توانسته است ۶۲ درصد از تغییرات متغیر کارآفرینی را تبیین کند. کاظمی و همکاران (Kazemi, 2024) بر شناسایی قابلیت بازاریابی برای پایداری استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارها تأکید کردند. رمضاری و همکاران (Ramzbari et al., 2023) به بررسی چالش‌های پیش روی کسب‌وکارهای فین‌تک پرداختند. ایمانی و همکاران (Imani et al., 2025) بر آموزش به‌عنوان متغیر زمینه‌ای و حمایت نهادها تأکید نموده‌اند. هیدالگو و همکاران (Hidalgo et al., 2024) بر نقش سرمایه اجتماعی در موفقیت کارآفرینی اجتماعی اشاره کرده‌اند.

(ب) مطالعات غیرخطی (با تأکید غیرمستقیم بر پیامدها): این دسته از مطالعات به پیامدهای غیرخطی کارآفرینی به‌روشنی غیرمستقیم پرداخته‌اند و ضرورت نسبت کارآفرینی و جامعه را مطرح کرده‌اند. در این راستا نادری و همکاران (Naderi et al., 2024) معتقدند مسئله کودکان کار با آموزش مهارت کارآفرینانه قابلیت تعدیل و کاهش دارد. دلبری (Delbari, 2022) بر پیامدهای

^۱ Double-Becoming

^۲ Simbiosis

^۳ ارجاع به مراحل علم از نظر کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی دارد

فرهنگی و اجتماعی گردشگری دینی مطالعه کرده است. وایس و همکاران (Weiss et al., 2023) بر ضرورت انجام مطالعاتی که پیوندهای بین کارآفرینی و جامعه را مورد بازبینی قرار می‌دهند، تأکید کرده‌اند. قاضلی و همکاران (Ghazeli et al., 2025) بر الگوی تاب‌آوری کسب‌وکارهای مبتنی بر کارآفرینی اجتماعی تأکید نموده‌اند.

(پ) **مطالعات فراتر از گزاره‌های اقتصاد کلاسیک:** این دسته از مطالعات فراتر از گزاره‌های اقتصاد کلاسیک به موضوع کارآفرینی و کنش اقتصادی پرداخته‌اند. از جمله: رستمیان و متوسلی (Rostamian & Motavasali, 2024) در پژوهشی با عنوان «پراکسیولوژی هرمنوتیکی و کنش کارآفرینانه» به لزوم توجه به عدم قطعیت و فاصله گرفتن از گزاره‌های اقتصاد کلاسیک در فهم کنش‌های کارآفرینانه اشاره دارند. عنبری و ایار (Anbari & Ayar, 2024) نشان دادند که کنش اقتصادی در فرا اقتصادها یعنی نظام فرهنگی، اجتماعی و ارزش‌های تنیده شده است. وایس و همکاران (Weiss et al., 2023) کارآفرینی را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند که جامعه را شکل می‌دهد. مقیمی و همکاران (Moghimy et al., 2019) در واکاوی پدیدهٔ آنفلوانزا و ذهنیت کارآفرینی گریزی در میان فرزندان کارآفرینان نشان دادند که چگونه در بین فرزندان خانواده‌های کارآفرینی ذهنیت گریز از کارآفرینی شکل می‌گیرد. وردوین (Verduyn, 2015) کارآفرینی را سیال، نه لزوماً عمدی و نه لزوماً برنامه‌ریزی‌شده، اما در عین حال باز و نامعین می‌داند.

(ت) **مطالعات انتقادی کارآفرینی:** جستجوی نگارنده در مطالعات داخلی نشان می‌دهد که با تعریف ارائه شده در مقدمه و بخش نظری این مقاله، مقاله‌ای با عنوان مطالعهٔ انتقادی کارآفرینی یافت نشد. اگرچه برخی از مطالعات داخلی را می‌توان ذیل مطالعات انتقادی کارآفرینی جای داد، از جمله مطالعات با رویکرد کارآفرینی سبز مانند نوری و همکاران (Nouri et al., 2023). دسته‌ای دیگر از مطالعات داخلی، ضمن اتخاذ تلویحی رویکردی انتقادی و تأکید بر بوم‌زاد بودن کارآفرینی، بر تفاوت ماهیت و معانی کارآفرینی در جوامع مختلف و بازه‌های زمانی گوناگون تأکید دارند. از جمله این مطالعات، فرهادی و میرزایی (Farhadi & Mirzaei, 2017) با طرح مفهوم «کارآفرینی فتوتی» بر نوعی از کارآفرینی متمایز از کارآفرینی سرمایه‌دارانه تأکید می‌کنند و ایار (Ayar, 2025) با طرح مفهوم «کنش اقتصادی دگرواره»، به صفات ممیزه‌ای مانند نوع‌دوستی، مشاعی بودن و توزیع‌محوری اشاره نموده است؛ اما مطالعات انتقادی کارآفرینی در خارج از ایران قدمتی بیش از یک دهه دارد. از جمله: تدمسون و همکاران (Tedmanson et al., 2012) کارآفرینی را شبکه‌ای پیچیده از فعالیت‌های درهم‌تنیدهٔ اجتماعی-اقتصادی و سیاسی درک می‌کنند. وردوین و همکاران (Verduyn et al., 2017) معتقدند که مطالعات انتقادی کارآفرینی برخاسته از نارضایتی عمومی در جامعهٔ علمی نسبت به کارآفرینی است و طیف وسیعی از مطالعات را دربر می‌گیرد. اتکینز و همکاران (Atkins et al., 2022) به تبعیض در وام‌دهی پرداخته‌اند. وایس و همکاران (Weiss et al., 2023) مطالعات انتقادی پیرامون کارآفرینی را در چهار دسته تقسیم می‌کنند: نخست، مطالعاتی که بر ضرورت اصلاح آموزش کارآفرینی تمرکز کرده‌اند؛ دوم، درک کارآفرینی به مثابه یک تعریف و استاندارد فرهنگ؛ سوم، فراتر رفتن از تعصبات و کلیشه‌های غالب در تحقیقات و آموزش کارآفرینی؛ و چهارم، بررسی مدل‌های جایگزین برای کارآفرینی سرمایه‌دارانه^۱.

با توجه به مرور مطالعات تجربی پیشین، از یک‌سو شاهدیم که حداقل در مطالعات داخلی، مسیری انتقادی یا متمایل به رویکردی انتقادی به‌استثنای چند مطالعه (که ذیل دستهٔ مطالعات انتقادی به‌اختصار فهرست شدند) وجود ندارد و مطالعات با پسوند و پیشوند «کارآفرینی سبز» از نظر نگارنده به بخشی از دستور کار پارادایم‌های جاری مطالعات کارآفرینی نتولیرال تبدیل شده است که به مثابهٔ سدی مانع دیدن بسیاری از مسائل مرتبط با کارآفرینی و جامعه شده است. از سوی دیگر، غلبهٔ کارآفرینی به مثابهٔ یک «ایدئولوژی» و «استاندارد فرهنگی» و مشروعیتی بیش‌ازحد آن در جامعهٔ علمی، سیاست‌گذاری و اجرایی در ریختاری هژمونیک و نوش‌دارویی، از یک‌سو و همچنین بر ساخت پرتله‌ای فرشته گونه یا «الهه گون» از «کارآفرین» و «کارآفرینی»، نگاه انتقادی را نسبت به این پدیده به حاشیه برده و امکان استیضاح کارآفرینی را ناممکن کرده است. با این وصف،

^۱ Entrepreneurial Capitalism

اقتضای اجتناب‌ناپذیر آن است که بدون تخطئه «کارآفرینی» و با تأکید بر ضرورت آن، به طرح مطالعات انتقادی برای استیضاح کارآفرینی و هدایت آن در مسیری عادلانه‌تر و انسانی‌تر اقدام شود. مطالعه حاضر نمونه‌ای از یک پژوهش تجربی بر مبنای بینشی انتقادی در این زمینه است.

روش‌شناسی پژوهش

معرفی تجربه کارآفرینانه مورد مطالعه

شرکت‌های تعاونی ایستگاه‌های پمپاژ آب در سال ۱۳۷۹ شامل ۲۵۴ ایستگاه بودند که از این تعداد، ۲۳۹ مورد فعال بوده است. بر اساس اطلاعات موجود، این تجربه کارآفرینانه زمینه اشتغال مستقیم ۶۹۲۰ نفر و اشتغال غیرمستقیم ۶۷۰۰ نفر را در استان ایلام فراهم نموده است. با راه‌اندازی این پروژه در شهرستان دره‌شهر، با افزایش سطح زیر کشت به ۴۵۰۰ هکتار از اراضی، زمینه اشتغال ۴۰۰۰ نفر به صورت مستقیم فراهم شد. همچنین برای اجرایی شدن این پروژه و تأمین برق، ۳۶ کیلومتر شبکه برق در ساحل جنوبی رودخانه سیمره در شهرستان دره‌شهر کشیده شده است. برای تأمین برق فیدرها یا تغذیه‌کننده‌های برق به ظرفیت ۱۶ مگاوات به منظور تأمین برق در سال‌های آتی و با پیش‌فرض آبیاری شدن تمامی اراضی و سایر فعالیت‌های مکمل طرح مذکور، شبکه‌ای مستقل از برق شهری راه‌اندازی شد. به لحاظ زیست‌محیطی، این پروژه کارآفرینانه توانسته است از ورود سالانه ۷۰ هزار لیتر روغن سوخته به رودخانه سیمره جلوگیری نماید. همچنین از منظر آلودگی صوتی نیز پیامدهای این پروژه قابل توجه است. بر اساس اسناد و بایگانی اداری اداره کل تعاون استان ایلام، از این طرح به عنوان یک طرح موفق و قابل الگوبرداری در مناطق دیگر یاد شده است. این پروژه از ایده تا اجرا توسط دکتر اردشیر سلیمانی، از کارشناسان اداره کل تعاون استان ایلام، اجرا شده است.

در این مطالعه از روش پستل (PESTEL) استفاده شده است. بررسی پستل، رویکردی چندوجهی برای ارزیابی نیروهای کلان به منظور درک بهتر جهت‌گیری استراتژیک یک سازمان و کمک به تصمیم‌گیری‌های سنجیده و آگاهانه در مورد فعالیت‌های سازمانی است. در روش پستل، اثر محیط در وجوه سیاسی (P)، اقتصادی (E)، اجتماعی (S)، تکنولوژیک (T)، زیست‌محیطی (E) و حقوقی و قانونی (L) بر پروژه مورد نظر، بررسی می‌شود. در مجموع، روش پستل اثر متغیرهای خارجی را بر پدیده مورد مطالعه می‌سنجد؛ اما در این مطالعه، هدف نگارنده، مطالعه پیامدهای تجربه کارآفرینانه «ایستگاه‌های پمپاژ آب شهرستان دره‌شهر» بر محیط کلان جامعه در ابعاد شش‌گانه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیک، زیست‌محیطی و حقوقی و قانونی است. جامعه مورد مطالعه در این پژوهش، ذی‌نفعان و جامعه هدف طرح تعاونی ایستگاه‌های پمپاژ آب در شهرستان دره‌شهر بوده است. به این منظور، بر پایه منطق نمونه‌گیری عمدی یا قضاوتی، به منظور اکتشاف و شناسایی پیامدهای مختلف طرح کارآفرینانه مورد مطالعه، با استفاده از روش مصاحبه کیفی نیمه ساختاریافته با دو گروه مشارکت‌کننده در پژوهش (یعنی ذی‌نفعان و مطلعان کلیدی و خبرگان یا متخصصان) اطلاعات لازم گردآوری شد و سپس بر اساس تحلیل مضمون، داده‌ها بر اساس مدل پستل در ۶ دسته طبقه‌بندی شدند. معیار انتخاب حجم نمونه، نیل به اشباع نظری بوده است. محقق پس از ۱۲ مصاحبه با جامعه ذی‌نفع و ۱۰ نفر از مطلعان کلیدی به اشباع رسید (جدول ۱). به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شده است. همچنین برای برآورد اعتبار و قابلیت تصدیق یافته‌ها از روش اعتبار گفتگویی استفاده گردید.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت	تخصص	سن	جنسیت	شغل
۱	مرد	کارشناس ارشد آبیاری	۶۳	مرد	کارمند بازنشسته
۲	مرد	کارشناسی ارشد کشاورزی	۶۱	مرد	کارمند بازنشسته
۳	مرد	دکتری اقتصاد	۵۴	مرد	کارمند
۴	مرد	ارشد جامعه‌شناسی	۵۰	مرد	کارمند
۵	مرد	دکتری جامعه‌شناسی	۵۳	مرد	کارمند
۶	مرد	کارشناس ارشد کشاورزی	۴۹	مرد	کارمند
۷	مرد	ارشد کشاورزی	۴۴	مرد	کارمند
۸	مرد	ارشد زراعت	۶۴	مرد	کارمند
۹	مرد	دکتری جامعه‌شناسی	۴۷	مرد	هیئت‌علمی
۱۰	مرد	دکتری کشاورزی	۴۸	مرد	عضو هیئت‌علمی
۱۱	مرد	اول راهنمایی	۳۸	مرد	کارگر
۱۲	زن	ابتدایی	۶۱	زن	خانه‌دار
۱۳	مرد	ابتدایی	۶۷	مرد	کارگر
۱۴	مرد	سیکل	۶۲	مرد	کشاورز
۱۵	مرد	ارشد	۵۹	مرد	فرهنگی بازنشسته
۱۶	زن	دیپلم	۵۲	زن	سرپرست خانوار
۱۷	زن	دیپلم	۴۸	زن	خودسرپرست
۱۸	مرد	کارشناسی	۴۱	مرد	دهیار
۱۹	مرد	ابتدایی	۶۳	مرد	کشاورز
۲۰	مرد	کارشناس ارشد	۴۷	مرد	کارمند
۲۱	زن	کارشناسی	۴۰	زن	کارمند
۲۲	زن	کارشناسی	۴۳	زن	خانه‌دار

یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های کیفی حاصل از مصاحبه و بحث‌های گروهی با مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر اساس مدل تحلیلی پستل در ابعاد شش‌گانه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی، زیست‌محیطی و حقوقی دسته‌بندی شده است.

۱. پیامدهای سیاسی

بدون شک، آثار و پیامدهای سیاسی تجارب کارآفرینی کمتر مورد توجه سیاست‌گذاران قرار می‌گیرد. با این حال، پروژه‌های کارآفرینانه به دلیل تغییر در شکاف‌های طبقاتی و گشایش یا محدود کردن دسترسی‌پذیری به برخی از مزایا و فرصت‌های اجتماعی، واجد پیامدهای سیاسی هستند (جدول ۲). در این راستا:

کشاورز، کارشناسی ارشد، ۵۹ ساله، مرد:

«روی روحیه مردم خیلی تأثیر گذاشته است، نارضایتی سیاسی و اجتماعی خیلی کمتر شده است» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۳)

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، ۴۷ ساله، مرد:

«بهبود زندگی مردم موجب افزایش دل‌بستگی مردم به نظام سیاسی می‌شود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵)

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«پروژه‌های این‌چنینی می‌توانند با نشان دادن تعهد دولت به توسعه زیرساخت‌های پایدار و بهبود کیفیت زندگی، اعتماد عمومی به نهادهای دولتی را تقویت کنند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۸)

کارگر، ۶۷ ساله، مرد:

«راضی هستیم، هرچه داریم اول خدا بعد مهندس سلیمانی [مجری طرح]» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۰).

کارشناس ارشد زراعت، ۶۳ ساله، مرد:

«با بهبود وضع درآمد مردم، معیشت آن‌ها بهتر می‌شود و این مسئله باعث دل‌بستگی بیشتر مردم به دولت می‌شود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۲).

جدول ۲. پیامدهای سیاسی از نظر مشارکت‌کنندگان

مقولات اصلی (پیامدها)	مقوله فرعی	مفاهیم اولیه
پیامد سیاسی	کاهش ناراضی‌تی سیاسی	نشان‌دهنده تعهد دولت به مردم
		ما راضی هستیم خدا راضی باشد
		ناراضی‌تی مردم کمتر شده
	کاهش احساس محرومیت نسبی و تبعیض	هرچه دارم اول خدا بعد آقای سلیمانی
		ما مثل اصفهان که نیستیم کارخانه نیست همین آب داریم
		دل‌بستگی به دولت
	کاهش فاصله دولت - ملت	نگرش مثبت به سیاست‌ها
		مردم وقتی سیر باشند با حکومت چه کار دارند
		خدا را شکر کار می‌کنیم
	احساس برخورداری و توسعه‌یافتگی	زمینه اشتغال که فراهم باشد احساس محرومیت نسبی کمتر می‌شود

۲. پیامدهای اقتصادی

منظور از پیامدهای اقتصادی، اثری است که این تجربه کارآفرینی بر اشتغال‌زایی، گسترش صنایع تبدیلی و جانی، تنوع کشت، رونق کسب‌وکار، کشت درختان غیرمثمر و میزان درآمد و رفاه مردم داشته است؛ به گونه‌ای که حتی زنان سرپرست خانوار نیز در صورت مدیریت صحیح این پروژه، قادر خواهند بود در مسیر خودکفایی گام بردارند (جدول ۳). در این راستا:

کارشناس ارشد زراعت، ۶۳ ساله، مرد:

«پمپاژها موجب افزایش سطح زیر کشت و بر درآمد کشاورزان مؤثر بوده است» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۳).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۴ ساله، مرد:

«افزایش عملکرد و کیفیت محصولات کشاورزی و باغی» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

کشاورز، سیکل، ۶۱ ساله، مرد:

«من خودم هر چه دارم اول خدا بعد همین دکتر سلیمانی که این طرح پمپاژ آورد؛ قبلاً شام شب نداشتیم، من الان چند منزل و دو ماشین سنگین دارم» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵).

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، ۵۰ ساله، مرد:

«این‌همه زمین قبل از پمپاژ کشت دیم می‌شد، فقط گندم و جو؛ الان هر بذری را مردم آزمایش می‌کنند. کشت دیم هم بستگی به میزان بارش دارد که در نهایت کشاورز فقط هزینه و زحمت عایدی داشت، اما الان برای مردم کشاورزی سودآور است» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۶).

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، ۴۷ ساله، مرد:

«شرکت‌های تعاونی ایستگاه پمپاژ بر زندگی مردم تأثیر قابل‌توجهی داشته است؛ سطح درآمد مردم قبل و بعد از پمپاژ قابل‌مقایسه نیست» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۷).

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، ۴۷ ساله، مرد:

«بعد از ورود پمپاژها سطح درآمد مردم بالا رفت، صنایع دیگری مثل برنج‌کوبی، صنایع جانبی مثل مواد غذایی در منطقه ایجاد شد» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۷).

کارشناس ارشد زراعت، ۶۳ ساله، مرد:

«اثر زیادی بر کیفیت زندگی و توسعه روستایی داشته است» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۸).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۴ ساله، مرد:

«طرح ایستگاه پمپاژ برقی دستاوردهای مثبتی برای ذی‌نفعان داشته است؛ از جمله این دستاوردها بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران و تولیدکنندگان» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۹).

کارشناس، کارشناسی، ۵۷ ساله، مرد:

«بدون طرح پمپاژ امکان انتقال آب و ایجاد استخر ماهی برای من وجود نداشت» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۰).

زنان منطقه با حفظ روحیه سخت‌کوشی، پس از اجرای این پروژه توانستند به صورت مستقل در زمینه کشاورزی فعالیت داشته باشند. همچنین از منظر ذی‌نفعان، این پروژه در زمینه توانمندسازی زنان، زنان سرپرست خانوار و دختران مجرد خودسرپرست نیز اثرگذار بوده است (جدول ۳). در این راستا:

زن سرپرست خانوار، دیپلم، ۵۲ ساله، زن:

«من یک زنم، سرپرست خانوارم؛ اگر آب نبود این زمین دیم به درد نمی‌خورد؛ کجا می‌توانستم کار بکنم؟ اصلاً دستمزد بازار جواب می‌دهد؟ من الان خودم روی زمین کار می‌کنم، حرف حدیثی هم نیست. من خودم آقای خودم هستم... با پول کشاورزی دخترم شوهر دادم، جهیزیه تهیه کردم؛ هزینه دانشگاه پسر را دادم و محتاج کسی هم نیستم. از نهادهای حمایتی آمدند که منو تحت پوشش ببرند، قبول نکردم؛ خودم کار می‌کنم» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۱).

زن روستایی، دیپلم، ۴۸ ساله، زن:

«ما دو خواهریم تنها؛ بعد از پدر و مادر، برادر و خواهرهایم ازدواج کردند. زمین کمی داریم، اما روی زمین‌ها کار می‌کنیم؛ هزینه زندگی خودمان را تأمین می‌کنیم، به کسی نیاز نداریم» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۲).

زن روستایی، ۶۱ ساله، زن:

«قبلاً که انصاف بود و آب می‌دادند، ما زن‌ها یک قطعه کشاورزی جدای از قطعه اصلی کشت می‌کردیم و پولش را کامل پس‌انداز می‌کردیم؛ به طلا می‌دادیم، بعد موقع ساخت منزل یا خرید زمین، بالاخره یک پس‌انداز بود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۳).

زن خانه‌دار، کارشناسی، ۴۳ ساله، زن:

«من خودم در منزل فصل برداشت، خیار ترشیجات و خیارشور زیادی درست می‌کنم و می‌فروشم، چون خیار منطقه ما خیلی ارزان است» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۴).

از نظر کارشناسان، زیرساخت‌های برق و امکان احداث صنایع تبدیلی و طرح‌های تکمیلی، از ظرفیت‌های موجود برای افزایش ایستگاه‌های پمپاژ محسوب می‌شود. همچنین درآمد حاصل از فعالیت‌های کشاورزی، زمینه تأسیس بنگاه‌ها و شرکت‌های تولیدی را در منطقه مورد مطالعه فراهم کرده است (جدول ۳). در این راستا:

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«از سوی دیگر، توسعه زیرساخت‌های برقی می‌تواند سرمایه‌گذاری در مناطق محلی را تشویق کرده و اقتصاد منطقه‌ای را تقویت کند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۵).

طراح و مجری پروژه، دکتری، ۵۴ ساله، مرد:

«طوری برنامه‌ریزی شده که طرح‌های تکمیلی و جانبی هم احداث شود و مشکل برق و زیرساخت نداشته باشند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۶).

زن کارمند، کارشناسی، ۴۰ ساله، زن:

«برخی از افراد با درآمدی که از کشاورزی به دست آوردند، توانستند بنگاه‌ها و شرکت‌های تولید کوچکی راه‌اندازی کنند...» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۷).

طراح و مجری پروژه، دکتری، ۵۴ ساله، مرد:

«طرح‌هایی مانند پرورش ماهی، اردک و ... در دستور کار قرار بگیرد» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۶).

کشاورز، ۶۲ ساله، مرد:

«قبلاً وضع بهتر بود، ما پرورش ماهی داشتیم با آب همین پمپاژ» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۸).

کارشناس، کارشناسی، ۳۸ ساله، مرد:

«کشت درخت برای تجارت چوب زیاد شده» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۹).

دهیار، کارشناسی، ۴۱ ساله، مرد:

«کشت که تنوع پیدا کرد و محصولات هم زیاد شدند، کارخانه خیارشور، ترشیجات، حتی خیارشور خانگی احداث شدند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۳۰).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«این پروژه می‌تواند فرصت‌های شغلی جدیدی در زمینه فناوری‌های مدرن کشاورزی و مدیریت آب ایجاد کند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۳۱).

جدول ۳. پیامدهای اقتصادی از نظر مشارکت‌کنندگان

مفاهیم اولیه	مقولات فرعی	مقوله اصلی (پیامدها)
نوع کشت تنوع پیدا کرده	تنوع کشت	پیامد اقتصادی
قبلاً فقط کشت بهاره بود الان هم بهار و هم پاییزه		
الان می‌توانیم محصولات مختلف بکاریم		
اگر آب نبود امکان پرورش ماهی وجود نداشت	زمینه‌ساز گسترش طرح پرورش ماهی	
قبلاً خیلی ماهی زیاد بود		
با افزایش کشت صیفی‌جات چند کارخانه خیارشور احداث شد	امکان توسعه طرح‌های صنایع تبدیلی	
خیارشور و ترشیجات خانگی		
از پول طرح صنعتی را راه‌اندازی کردم	رونق کسب‌وکار صنعت و پایداری	
با پول کشاورزی بنگاه و شرکت راه‌اندازی کرده‌اند	بنگاه‌های کوچک	
طوری برنامه‌ریزی شده که طرح‌های تکمیلی هم احداث شود	امکان توسعه طرح در آینده	
برق برای صنایع تکمیلی و گسترش طرح وجود دارد		
ما الان در مرز زمین‌ها درخت غیر مثمر می‌کاریم	کشت درختان غیر مثمر (تجارت چوب)	افزایش درآمد خانوار
کاشت درخت غیر مثمر زیاد شده است		
الان وضع ما خوب شده آب سرزمین‌ها است		
قبلاً دیم بودند حتی خرج کشت در نمی‌آمد		توانمندسازی زنان
بهبود درآمد مردم		
توانمندسازی زنان		

۳. پیامدهای اجتماعی

یکی از حوزه‌ها و ساحت‌هایی که از تجارب کارآفرینانه متأثر می‌شود، ساحت اجتماعی-فرهنگی است. یافته‌های تحقیق نشان داد که در حوزه اجتماعی، پروژه مورد نظر سبب تقویت همبستگی، ماندگاری جمعیت و مهاجرپذیری، تقویت روحیه تعاون، گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری و معرفی و شناسایی منطقه از طریق محصولات زراعی شده است؛ در بعد پیامدهای نامطلوب اجتماعی نیز انحصاری شدن آب (فروش آب به قیمت غیرمنصفانه) و در نتیجه انحصار و تحریم آب از جانب برخی از مالکان ایستگاه‌های پمپاژ، موجب تشدید نابرابری و بهره‌کشی و استثمار گردیده است. یکی از پیامدهای مثبت این پروژه از منظر اجتماعی، ماندگاری جمعیت بومی و مهاجرپذیری از شهرستان‌های همسایه بوده است که به رونق زندگی در ابعاد مختلف در منطقه کمک کرده است (جدول ۴). در این راستا:

کشاورز، سوم راهنمایی، ۳۸ ساله، مرد:

«ما اهل دره شهر نیستیم، اینجا زمین اجاره می‌کنیم» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۳).

کشاورز، ابتدایی، ۶۷ ساله، مرد:

«منطقه ما کار نداشت، دره شهر باب‌الرحمت است، یک قطعه زمین اجاره می‌کنیم، خرج خانواده را تأمین می‌کنیم» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«فرصت اشتغال خوبی فراهم نمود، جمعیت را در منطقه نگهداشت، وگرنه باید مردم می‌رفتند حاشیه‌نشین شهری می‌شدند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«افزایش بهره‌وری کشاورزی، امنیت غذایی و ثبات اجتماعی را در جوامع محلی تقویت کند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۵/۷/۱۵).

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، ۵۰ ساله، مرد:

«افراد از شهرستان‌های دیگر به دره شهر مهاجرت کردند و ماندگار شدند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۶).

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، ۵۴ ساله، مرد:

«شهرستان‌های اطراف دره شهر چرا این قدر مهاجر فرست هستند؟ چون فرصت اشتغال تعریف نشده است؛ اینجا هرکسی بخواهد کار بکند، فرصت هست» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۷).

کارگر، اول راهنمایی، ۳۸ ساله، مرد:

«ما اهل دره شهر نیستیم، اینجا کارگری می‌کنیم، در کنارش یک قطعه زمین هم اجاره می‌کنیم، درآمد خوبی دارد» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۸).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۴ ساله، مرد:

«موجب کاهش مهاجرت و بیکاری در منطقه شده» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۹).

زن روستایی، ابتدایی، ۶۱ ساله، زن:

«قبلاً، مردان باید به شهرها می‌رفتند؛ الان اگر آب بدهند کار آمده است درب منزل» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۰).

تعریف منافع مشترک به صورت عادلانه و انسانی می‌تواند زمینه‌ساز اعتلای همبستگی و افزایش سرمایه اجتماعی یا حفظ سرمایه اجتماعی موجود شود. یکی از کارکردهای پروژه مورد مطالعه از منظر خبرگان و ذی‌نفعان، ارتقای همبستگی اجتماعی در منطقه بوده است (جدول ۴). در این راستا:

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۴ ساله، مرد:

«افزایش سرمایه اجتماعی منجر به کاهش فساد، افزایش بهره‌وری و کاهش تعارضات اجتماعی می‌شود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۹).

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«این تعاونی‌ها موجب کم شدن اختلافات شد؛ مردم به جای اختلافات رفتند روی منافع مشترک متمرکز شدند؛ به دنبال این بودند که مسائل مشترک را حل کنند، استهلاک ایستگاه‌ها را به حداقل برسانند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۱).

از منظر فرهنگی، افزایش درآمد خانوارها سبب توجه و تمرکز مردم بر حوزه‌های آموزشی، فرهنگی و هنری در منطقه شد که نمود آن را می‌توان در استقبال از نمایشگاه‌های هنری، دعوت از چهره‌های هنری و حضور در کنسرت‌های موسیقی اجرا شده در منطقه مشاهده کرد (جدول ۴). در این راستا:

کارشناس ارشد، ۵۹ ساله، مرد:

«مردم با پول کشاورزی توانستند هزینه آموزش و ادامه تحصیل فرزندان‌شان را فراهم کنند؛ خیلی از مردم با درآمد کشاورزی فرزندان‌شان را به خارج از کشور برای تحصیل در رشته‌های پزشکی فرستادند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۲).

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، ۵۰ ساله، مرد:

«بخشی از درآمد، صرف هزینه کلاس‌های هنری و فرهنگی می‌شود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۶).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«از نظر فرهنگی، این پروژه می‌تواند به عنوان نمادی از پیشرفت و استفاده از فناوری‌های نوین، نگرش مثبت به نوآوری را در جوامع سنتی تقویت کند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵).

تقویت ویژگی‌های مثبت فرهنگی مانند «تعاون» و «سخت‌کوشی» از جمله پیامدهای طرح مورد مطالعه است. اگرچه وجود روحیه تعاون و سخت‌کوشی در ایران امری تاریخی محسوب می‌شود، اما بقای ارزش‌های مطلوب فرهنگی نیازمند تیمارداری و پرستاری است. تقویت و تداوم چنین ویژگی‌های مثبتی به راهبردهای عملیاتی و زمینه‌های مساعد نیاز دارد. پروژه مورد مطالعه به سهم خود توانسته است در تداوم و تقویت این روحیه، به دلیل فراهم نمودن بستر مناسب و اعطای «عاملیت» به ذی‌نفعان، مؤثر باشد (جدول ۴). در این راستا:

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«خیلی به تقویت فرهنگ و روحیه کار کمک کرد؛ مردم ما خودشان اهل کار بودند، با تغییر زندگی عشایری به یکجانشینی، به دلیل نبود آب و تک کشتی بودن اراضی، فصولی از سال بیکار بودند؛ الان کسی یک روز بیکار نیست. خوب جوانان و بچه‌ها می‌بینند و کار کردن را یاد می‌گیرند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۱).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«آموزش بهره‌برداران برای استفاده از این سیستم‌ها می‌تواند مهارت‌های فنی و همکاری‌های اجتماعی را در بین جوامع محلی ترویج دهد» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵).

یکی از مشکلات در برنامه‌های توسعه روستایی و توسعه در مناطق محروم، فقدان نظارت کافی بر طرح‌های توسعه‌ای پس از تأسیس، یعنی در مرحله حفظ، نگهداری و بهره‌برداری است. این پروژه نیز پس از یک دهه، در مسیری غیرعادلانه و در برخی موارد، زمینه‌ساز سوءاستفاده‌هایی مانند «تحریم آب» به قصد اجاره زمین‌های کشاورزان خرده‌پا و گران‌فروشی آب به جامعه ذی‌نفع شده است (جدول ۴). در این راستا:

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«یکی از مشکلات فروش آب است، مردم را غارت می‌کنند؛ سال‌های اول نظارت بود، بر اساس عرف بود، خیلی ناعادلانه نبود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۴ ساله، مرد:

«اکثر کشاورزان از این طرح راضی نیستند؛ چون صاحبان پمپاژ مثل دوران پهلوی حکم ارباب‌رعیتی را زنده کرده‌اند یا آب به کشاورز هم‌جوار نمی‌دهند یا اگر هم آب بدهند به‌صورت ساعت کار (قیمت‌های نامتعارف) یا یک‌سوم و یک‌پنجم درآمد با کشاورزان حساب‌کتاب می‌کنند، در صورتی که این طرح‌ها به‌صورت تسهیلات یارانه‌ای با کارمزد پایین و همچنین بلاعوض از دولت گرفته‌اند و هزینه برق ایستگاه پمپاژ به‌صورت یارانه‌ای با درصد پایین با اداره برق شهرستان حساب‌کتاب می‌شود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۹).

کارشناس ارشد زراعت، ۶۳ ساله، مرد:

«در شرایط کنونی امکان استفاده اکثریت مردم از آب نیست و در فروش آب به کشاورز نظارت کافی وجود ندارد» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۳).

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«موضوع آب‌فروشی یکی از آفت‌ها است، کاری غیرقانونی است؛ بر اساس قانون توزیع عادلانه آب؛ الان ساعتی ۵۰۰ هزار تومان و یا اینکه به یک‌سوم محصول به‌عنوان حق‌آبه برمی‌دارند؛ از طریق آب مردم را استثمار می‌کنند؛ آب نمی‌دهند تا مردم مجبور شوند یا زمین را اجاره بدهند یا بفروشند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۱).

زن روستایی، ابتدایی، ۶۱ ساله، زن:

«صاحب پمپاژ به ما آب نمی‌دهد؛ اما زمین را اجاره می‌کند؛ قبلاً خوب بود. الان دولت نظارت ندارد» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۰).

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«برخی از افراد کلاه سرشان رفت و فریب خوردند، زمین‌های خود را در گرو این پمپاژها گذاشتند؛ الان صاحبان پمپاژها به آن‌ها آب نمی‌دهند و از طرف دیگر امکان امتیاز آب ندارند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۲۱).

جدول ۴. پیامدهای اجتماعی از نظر مشارکت‌کنندگان

مقوله اصلی (پیامدها)	مقولات اولیه	مفاهیم اولیه
پیامد اجتماعی	همبستگی اجتماعی	افزایش سرمایه اجتماعی ثبات و همبستگی مردم قبلاً کار نبود می‌رفتیم تهران
	ماندگاری جمعیت	بعد از طرح مردم در منطقه روز زمین‌های خودشان کار می‌کنند کاهش مهاجرت
	تقویت روحیه تعاون	در سال‌های آغاز که نظارت بود خیلی روحیه همکاری را حفظ می‌کرد مردم را به پای کار آورده بود
	حفظ روحیه سخت‌کوشی	فرهنگ کار را تقویت کرد مردم حتی یک روز هم بیکار نیستند
	گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری	مردم افزایش درآمد پیدا کردن بخشی به فعالیت هنری و فرهنگی اختصاص دادند مردم از فعالیت هنری و فرهنگی استقبال می‌کنند
	مهاجرپذیری	اهل دره شهر نیستیم اینجا زمین اجاره می‌کنیم خیلی از مردم شهرستان‌های اطراف به دره شهر مهاجرت کردند
	معرفی و شناسایی منطقه از طریق محصولات کشاورزی	محصولات کشاورزی می‌توانند معرف یک منطقه باشند گل نرگس و خیار دره شهر و حتی برنج الان خیلی شهرت دارند
	انحصاری شدن آب	انحصار آب؛ به ما آب نمی‌دهند به ما آب نمی‌دهند تا زمین‌ها را اجاره بدهیم گران‌فروشی آب
	نابرابری	اجاره دادن زمین از روی ناچاری فروش آب موجب ایجاد نابرابری بین مردم شده است صاحبان پمپاژها از فروش آب خیلی درآمد کسب کرده‌اند

۴. پیامدهای تکنولوژیک

یکی از پیامدهای تجارب کارآفرینانه، پیامدهای تکنولوژیک است. هر تجربه کارآفرینی موجب فعال‌سازی تکنولوژی‌های مرتبط در سطح ساده و پیچیده در جامعه پیرامون خود شده و مشاغل مرتبط با تکنولوژی و فناوری را دچار تغییر می‌کند. در این زمینه، شاهد هوشمند سازی و مدیریت ایستگاه‌ها، ارتقای مهارت‌های تعمیر و نگهداری و اثرگذاری بر گسترش صنایع جانبی مانند صنعت برنج‌کوبی در منطقه بوده‌ایم (جدول ۵). در این راستا:

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«الان سیستم آبیاری تا حدی هوشمند شده، مثل نگهداری فیزیکی، روشن و خاموش کردن ایستگاه‌ها» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۳).

طراح و مجری پروژه، دکتری، ۵۴ ساله، مرد:

«برقی که تأمین شده است به‌اندازه تمام اراضی و حتی طرح‌هایی که در آینده در اراضی شهرستان احداث شوند، جوابگو است» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

کارشناس ارشد، ۵۹ ساله، مرد:

«بعد از استقرار پمپاژها، برخی از مشاغل مانند مکانیکی تابلو برق رونق گرفت و حتی ساخت تابلو برق» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«موجب شد مردم منطقه به راحتی تکنولوژی‌های جدید را وارد منطقه کنند؛ کارگاه‌های برنج‌کوبی، خیارشور و ترشی و ...، همه از پیامدهای این طرح بودند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۶).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۴ ساله، مرد:

«تسهیل در خودکار شدن آبیاری در اراضی ناهموار» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۷).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«این پروژه می‌تواند فرصت‌های شغلی جدیدی در زمینه فناوری‌های مدرن کشاورزی و مدیریت آب ایجاد کند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۸).

جدول ۵. پیامدهای تکنولوژیک از نظر مشارکت‌کنندگان

مقوله اصلی (پیامدها)	مقولات اولیه	مفاهیم اولیه
پیامد تکنولوژیک	هوشمند سازی مدیریت ایستگاه‌ها	من پمپ را هوشمند کرده‌ام از خانه روشن و خاموش می‌کنم
		دستگاه دزدگیر هوشمند نصب کرده‌ایم
		هوشمند سازی مصرف آب
	مهارت‌های تعمیر و نگهداری (آموزش فنی)	روزهای اول تعمیر پمپاژها سخت بود
		گسترش مهارت ساخت تابلوی‌های صنعتی در منطقه
		قبلاً مکانیک ساخت تابلو نداشتیم
	اثرگذاری بر صنایع برنج‌کوبی	قبلاً یک برنج‌کوبی هم زیاد بود الان حدود ۱۰ تا ۱۲ برنج‌کوبی داریم
		برنج‌کوبی‌ها زیاد شدند

۵. پیامدهای زیست‌محیطی

توسعه پایدار با هدف پیشگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی، یکی از سرفصل‌های اساسی برنامه‌های توسعه‌ای کشورها و نیز به‌عنوان موضوعی مهم در سطح ملی و فراملی محسوب می‌شود. این مفهوم در حوزه کارآفرینی نیز با عناوینی همچون

کارآفرینی سبز، طی دهه اخیر جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌گذاری‌های کارآفرینی یافته و به‌صورت جدی مورد توجه قرار گرفته است. پیامدهای زیست‌محیطی بر اساس مدل پستل، یکی از پیامدهای کنش‌های کارآفرینانه است که باید مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که جلوگیری از آلودگی آب سیمره، کاهش آلودگی صوتی، افزایش باغ در اراضی شیب‌دار و جلوگیری از فرسایش خاک از جمله پیامدهای مثبت زیست‌محیطی و خطر آلودگی آب‌های زیرزمینی، نمکی شدن اراضی و هدر رفت آب مجازی از جمله پیامدهای منفی زیست‌محیطی این تجربه کارآفرینانه بوده‌اند (جدول ۶). در این راستا:

طراح و مجری پروژه، دکتری، ۵۴ ساله، مرد:

«بر اساس محاسبات، این طرح توانست از ورود ۷۰ هزار لیتر روغن سوخته و گازوئیل به رودخانه سیمره جلوگیری کند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۳).

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«از نظر زیست‌محیطی، این پروژه توانست آلودگی‌های زیادی را کاهش دهد؛ هر آبیاری چند پمپ گازوئیلی داشتند و گازوئیل سوخته و روغن سوخته زیاد وارد سطح آب سیمره می‌شد و آلودگی صوتی شدید» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«اجرای آبیاری قطره‌ای حلقه مفقوده این پروژه بود، چون می‌توانست از شور و نمکی شدن زمین و فرسایش خاک جلوگیری کند. جنس خاک منطقه رسی و البته آهک و گچ هم دارد؛ سیلاب‌ها لایه‌های زیرین را سست می‌کنند و رها کردن آب به دلیل آبیاری سنتی نیز لایه‌های بالایی را سست و در نتیجه دره و رانش‌های زیادی در اراضی ایجاد شده است» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

کارشناس ارشد زراعت، ۶۳ ساله، مرد:

«اگر از روش‌های نوین آبیاری استفاده نشود، اثرات مضر چون تغییر کیفیت آب‌های زیرزمینی، فرسایش خاک و افزایش شوری خاک به همراه خواهد داشت» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵).

با عنایت به مشکل آب، با وجود دسترسی به آن، باید مصرف آب و حوزه مصرف آن مدیریت شود. با وجود این که از طریق هوشمند سازی، میزان برداشت قابل مدیریت شده است، اما کشت محصولات آب‌بر (یعنی هدر رفت آب مجازی) پس از بهره‌برداری از پروژه مورد غفلت قرار گرفته است (جدول ۶). در این راستا:

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۹ ساله، مرد:

«استفاده گسترده از پمپاژ برقی ممکن است فشار بر منابع آب را افزایش دهد، بنابراین باید با مدیریت منابع آب، استفاده از روش‌های نوین آبیاری و محصولات کم‌آب‌بر همراه باشد تا از برداشت بیش‌ازحد جلوگیری شود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۶).

از جمله پیامدهای نامطلوب زیست‌محیطی می‌توان به نمکی شدن اراضی، فرسایش خاک به دلیل رانش‌های کوچک ناشی از آبیاری غرق آبی در منطقه اشاره کرد. از دیگر پیامدهای نامطلوب، استفاده از سموم و آفت‌کش‌هاست که به‌استناد اظهارات مشارکت‌کنندگان خبره، علاوه بر آلودگی‌های تغذیه‌ای، سبب آلودگی محیط اطراف مزارع و آب‌های پایین‌دست و زیرزمینی می‌شود (جدول ۶). در این راستا:

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«دبی رودخانه سیمره در پایین‌دست سد کم شده، درصد املاح نسبت به حجم آب افزایش یافته است. پمپاژها با انتقال آب، هم‌زمان میزان زیادی املاح از جمله نمک به اراضی منتقل می‌کنند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«با افزایش اراضی زیر کشت آبی، تنوع کشت و چند کشتی، به‌دلیل آنکه مزارع مهندس مشاور در عمل ندارند، حجم استفاده از سموم افزایش یافته و این بر خاک، منابع زیرزمینی آب، رودخانه و خود محصولات و سلامت مردم تأثیر منفی دارد» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

دانشجوی دکتری کشاورزی، ۴۸ ساله، مرد:

«استفاده بیش از اندازه از سموم موجب بیماری و آلوده شدن زمین و آب‌های زیرزمینی می‌شود» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۷).

کارشناس ارشد کشاورزی، ۴۴ ساله، مرد:

«از لحاظ زیست‌محیطی، پروژه ایستگاه پمپاژ برقی نسبت به دیزلی، آلودگی صوتی و پیامدهای زیست‌محیطی را ندارد؛ ولی چون اکثر بهره‌برداران از روش‌های سنتی برای آبیاری مزارع خود استفاده می‌کنند، زمین‌های زراعتی که در حاشیه دره‌ها و رودخانه‌ها قرار دارند، بیشتر در معرض تخریب و فرونشست قرار می‌گیرند» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۸).

جدول ۶. پیامدهای زیست‌محیطی از نظر مشارکت‌کنندگان

مقوله اصلی (پیامدها)	مقولات اولیه	مفاهیم اولیه
پیامد زیست‌محیطی	افزایش باغ در اراضی شیب‌دار	من خودم الان انگور کاشتم در زمین شیب‌دار و سنگلاخی زیتون کاشتیم
	جلوگیری از آلودگی رودخانه	قبلاً آب سیمره به واسطه روغن سوخته کثیف می‌شد جلوگیری سالانه از ورود ۷۰ هزار لیتر روغن سوخته و گازوئیل به سیمره
	کاهش آلودگی صوتی	صدای موتورهای گازوئیلی خیلی زیاد بود هر وقت چند پمپ روشن می‌شد سروصدا خیلی زیاد می‌شد
	جلوگیری از فرسایش خاک	کاشت گل نرگس در زمین‌های شیب‌دار کنار سیمره درخت می‌کاریم
	خطر افزایش استفاده از سموم	استفاده زیاد از سموم موقع سم‌پاشی آمدورفت هم خطرناک است
	خطر آلودگی منابع آب زیرزمین	این حجم سم وارد زمین می‌شود استفاده از سموم موجب آلودگی آب‌های زیرزمینی می‌شود
	نمکی شدن اراضی	شوری آب نمکی شدن اراضی
	هدر رفت آب مجازی	تخریب اراضی به دلیل سست شدن بافت‌ها کشت محصولات آب بر مثل هندوانه و طالبی باید مصرف آب مدیریت بشود

۶. پیامدهای حقوقی و قانونی

هر فعالیت و تجربه کارآفرینانه‌ای موجب برجسته شدن برخی از قواعد و مواد حقوقی و قانونی شده و زمینه تحکیم، تضعیف یا حتی تجدیدنظر در برخی از موارد حقوقی و قانونی را فراهم می‌کند. تجربه کارآفرینانه مورد مطالعه از منظر حقوقی و قانونی سبب شد که زمین‌های کشاورزی به مثابه «آورده بانکی» تلقی شوند و در نتیجه، تنگنای همیشگی آورده بانکی برای کارآفرینان و کنشگران اقتصادی نوپا در حوزه‌های مختلف برطرف گردد. از جهت دیگر، به دلیل فراهم شدن تسهیل برداشت آب، قانون برداشت حق آبه به صورت جدی‌تر عملیاتی شد (جدول ۷). در این راستا:

کارشناس ارشد آبیاری، ۶۳ ساله، مرد:

«دولت به تعاونی‌ها بهتر وام می‌دهد، نظارت بر چگونگی هزینه کرد تسهیلات در تعاونی‌ها راحت‌تر است و امکان انحراف اعتبارات به مراتب نسبت به تسهیلات انفرادی خیلی کمتر است» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۳).

طراح و مجری پروژه، دکتری، ۵۴ ساله، مرد:

«معتقد بودیم که اگر وام فراتر از مبلغ مصوب نباشد، جواب نخواهد داد؛ حتی در مورد بعضی از شرایط، درصدی برای درمان بیماری متقاضی و خرید وسایلی مانند تراکتور و نیسان لحاظ می‌کردیم» (مصاحبه عمیق انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

طراح و مجری پروژه، دکتری، ۵۴ ساله، مرد:

«البته ما قانون آورده بانکی را که برای برخی از تسهیلات بانک‌ها اجباری کرده بودند، به صفر رساندیم و زمین را به‌عنوان آورده تعریف کردیم» (مصاحبه عمیق/انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۴).

کارشناس ارشد زراعت، ۶۲ ساله، مرد:

«هر ایستگاه حق برداشت مقدار خاصی آب دارد» (مصاحبه عمیق/انفرادی، ۱۴۰۴/۷/۱۵).

جدول ۷. پیامدهای حقوقی و قانونی از نظر مشارکت‌کنندگان

مقوله اصلی (پیامدها)	مقولات اولیه	مفاهیم اولیه
پیامد حقوقی و قانونی	معافیت کارآفرینان از آورده	آورده بانکی صفر
	تعریف زمین به‌عنوان آورده بانکی	حمایت دولت از تعاونی‌های خوب است
	رعایت قانون حق‌آبه (برداشت بر اساس قانون)	با آورده بانکی ما نمی‌توانستیم وام بگیریم
	الگوسازی و اجرای طرح در مناطق دیگر	زمین را از ما قبول کردند به‌عنوان آورده
		مدیریت مصرف آب
		تعیین مقررات میزان برداشت آب
		درخواست رسمی اداری برای الگوبرداری در مناطق دیگر

بحث و نتیجه‌گیری

ضرورت نگاهی دگرگونه با تأکید بر مطالعات انتقادی به پدیده کارآفرینی، اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا با طرح این رویکرد، می‌توان ضمن بررسی پیامدهای تجارب کارآفرینانه برای جامعه پیرامون، کارآفرینی را در مسیر ایجاد عدالت، همبستگی و سایر ارزش‌های انسانی به کار گرفت. پژوهش حاضر با تمرکز بر هدف مذکور، به بررسی پیامدهای تجربه کارآفرینانه «شرکت‌های تعاونی ایستگاه پمپاژ آب شهرستان دره‌شهر» پرداخته است.

بر اساس یافته‌ها، این تجربه کارآفرینانه، جامعه پیرامون یا میزبان خود را در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار داده است. از آنجا که اغلب مطالعات بر پیامدهای اقتصادی، سودآوری و اشتغال‌زایی در کارآفرینی تأکید داشته و بر اساس منطق خطی، کارآفرینی را تحلیل می‌کنند، از این منظر پروژه مورد مطالعه نیز سبب افزایش درآمد خانوار، تنوع کشت، زمینه‌سازی برای گسترش طرح پرورش ماهی، امکان توسعه طرح‌های صنایع تبدیلی و فراهم بودن امکان توسعه طرح در آینده شده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌هایی که صرفاً بر پیامدهای خطی-اقتصادی کارآفرینی تمرکز داشته‌اند، از جمله علوی‌زاده (Alavizadeh, 2017)، داوری و همکاران (Davari et al., 2023) و طاهری و باشکوه (Taheri & Bashkoh, 2023) همسویی دارد. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد که تجربه کارآفرینانه مورد مطالعه، دارای پیامدهای چندگانه مثبت و منفی زیست‌محیطی بوده است. کاهش ورود روغن سوخته به رودخانه سیمره، کاهش آلودگی صوتی، کشت درخت، بوته و گل نرگس در اراضی شیب‌دار از جمله پیامدهای مطلوب و نمکی شدن اراضی، ورود سموم به سفره‌های زیرزمینی آب و افزایش کشت محصولات آبرابر از جمله پیامدهای منفی این تجربه کارآفرینانه در بعد زیست‌محیطی بوده است که با یافته‌های نوری و همکاران (Nouri et al., 2023) همسو است. یافته‌های تحقیق در ارتباط با پیامدهای سیاسی، توانسته است ضمن تقویت احساس برخورداری و کاهش احساس محرومیت، به تقویت نسبی رضایت سیاسی کمک کند؛ یافته‌ای که در مطالعات تجربی و نظری پیشین به آن اشاره نشده است و همراه با سایر یافته‌های مرتبط با پیامدهای اجتماعی، حقوقی و تکنولوژیک، می‌توان آن‌ها را از یافته‌های بدیع مطالعه حاضر محسوب نمود. همچنین بر اساس یافته‌ها، این پروژه سبب آثار مثبتی بر جامعه از قبیل تقویت همبستگی، ماندگاری جمعیت و مهاجرپذیری، تقویت روحیه تعاون، گسترش فعالیت‌های فرهنگی و هنری، معرفی و شناسایی منطقه از طریق محصولات زراعی در بعد اجتماعی شده است؛ اگرچه به دلیل فقدان نظارت در سال‌های پس از تأسیس، با پیامدهای نامطلوبی از جمله انحصاری شدن آب (فروش آب به قیمت غیرمنصفانه) و در نتیجه انحصار و تحریم آب از جانب برخی از مالکان ایستگاه‌های پمپاژ مواجه

شده است. تداوم این وضعیت با تعمیق نابرابری می‌تواند زمینه تشدید نارضایتی جامعه ذی‌نفع را فراهم آورد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات نادری و همکاران (Naderi et al., 2024)، دلبری (Delbari, 2022) و وایس و همکاران (Weiss et al., 2023) همسو است. یکی دیگر از پیامدهای مطالعه حاضر، پیامدهای تکنولوژیک است. این پیامدها با ارتقای سطح مهارت بهره‌برداران، موجب هوشمند سازی و مدیریت ایستگاه‌ها، ارتقای مهارت‌های تعمیر و نگهداری و گسترش صنایع جانبی مانند صنعت برنج‌کوبی در منطقه شده‌اند که با یافته‌های وایس و همکاران (Weiss et al., 2023) همسو است. از منظر حقوقی و قانونی نیز این تجربه توانسته است در بازه زمانی تأسیس شرکت‌ها، زمین‌های کشاورزی را به‌مثابه «آورده بانکی» تعریف نماید و با این تأکید قانونی (یعنی صفر نمودن آورده بانکی) فرصتی حقوقی و قانونی برای کارآفرینان فراهم آورد. این مطالعه در ادامه جریان مطالعات انتقادی کارآفرینی از جمله فرهادی و میرزائی (Farhadi & Mirzaei, 2017)، ایار (Ayar, 2025)، وردوین و همکاران (Verduyn et al., 2017) و اتکینز و همکاران (Atkins et al., 2022)، با طرح مفاهیم نظری نو مانند «پیامدهای ریزومی کارآفرینی» و «دگرزایی کارآفرینی»، ضمن پذیرش مفروضات بنیادین مطالعات انتقادی، منطقی نو به مطالعات کارآفرینی می‌گشاید؛ زیرا با طرح کارآفرینی به‌مثابه یک «جهان ریزومی» یا یک «گردونه بی‌مهار» و «کثرت و تنوع پیامدهای قصدناشده در جهان کارآفرینی»، پایش مداوم کارآفرینی را یادآور می‌شود. اگر بپذیریم هر «خلاقیت و نوآوری» با خود پیامدهای «قصدناشده یا غیرنیت‌مند» به همراه دارد، باید بپذیریم که هر تجربه و کنش کارآفرینانه‌ای نیز می‌تواند بر وجوه متفاوت جامعه اثر بگذارد؛ یعنی صرف‌نظر از «پیامدهای نیت‌مند» مانند ایجاد اشتغال و کسب سود و منفعت، «پیامدهای غیرنیت‌مندی» دارد که در آغاز برای طراح پروژه یا کارآفرین آشکار نبوده است. البته این اثرات می‌توانند در بازه‌های زمانی متفاوت (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) آشکار شوند؛ اما نکته‌ای که به لحاظ تحلیلی، فصل تمایز این مطالعه است، دقیقاً نقطه‌ای است که سایر مطالعات کارآفرینی آن را رها می‌کنند؛ یعنی «پیامد کنش‌های کارآفرینانه» در ساحت‌های دورتری مانند سیاست، فرهنگ و قواعد حقوقی و قانونی؛ اگرچه در بعد اقتصادی از جمله افزایش سطح رفاه و توانمندی، این نکته مورد توجه قرار گرفته است.

این مطالعه، وفق ادعای هارت و نگری (Hardt & Negri, 2021)، تلاشی برای بازپس‌گیری مفهوم کارآفرینی است؛ بنابراین، پژوهش حاضر با عبور از تحلیل‌های اقتصادی، روان‌شناسی اقتصادی و رفتارگرا، از کنش کارآفرینانه با تمرکز بر پیامدهای چندگانه «تجارب کارآفرینانه»، درصدد بوده است که ضمن پوشش یکی از خلأهای مطالعاتی پیرامون کنش‌ها و تجارب کارآفرینانه، صورت‌بندی مفهومی برای ارزیابی تجارب کارآفرینانه ارائه دهد (Uyurkulak, 2023; Reid, 2018).

نظریه‌های کارآفرینی، همان‌گونه که در بیان مسئله عنوان شد، به‌صورت عمده بر پیامدهای کارآفرینی مانند اشتغال و بهره‌وری مادی تمرکز دارند و در بهترین حالت به خودشکوفایی و پیامدهای روان‌شناختی فعالیت‌های کارآفرینانه توجه می‌کنند؛ غافل از اینکه هر تجربه نوآورانه‌ای قادر است به‌صورت «ریزومی» و گم، جهان اجتماعی را دچار دگرگونی عمیق نماید. به‌عنوان مثال، یافته‌های انسان‌شناسی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد که اختراع «خیش» سبب شد که جامعه بوستان کار متکی بر بیل، پس از اختراع خیش، زمین‌های بیشتری را زیر کشت برده و قدرت بیشتری در فرزندآوری و پس‌انداز داشته باشد (Nolan & Lenski, 2008; Li, 2021). با این توضیح، هر نوآوری دارای پیامدهایی چندگانه برای محیط پیرامون یا میزبان خود است که تجارب کارآفرینانه از این قاعده مستثنی نیستند. از حیث نظری، پیامدهای اقتصادی، تکنولوژیک و زیست‌محیطی در بازه‌های زمانی کوتاه‌تری آشکار می‌شوند و پیامدهای اجتماعی و سیاسی در بازه‌های زمانی بلندمدت‌تر نمایان می‌شوند. به‌عنوان مثال، اثرگذاری یک تجربه کارآفرینانه در گام نخست سبب توانمندی مالی و سپس افزایش مصرف کالاهای فرهنگی در سبد مصرفی خانوارها می‌شود. پیچیدگی در نمودار شدن پیامدهای تجارب کارآفرینانه از نظر زمانی و پدیدار شدن اثرگذاری آن بر ساحت‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، تکنولوژیک و حقوقی) سبب می‌شود که دنیای کارآفرینی را یک «دنیای ریزومی» بنامیم تا یک «دنیای خطی» با پیامدهای مشخص و از پیش معین‌شده از نظر زمینه و زمان. این برداشت ریزوماتیک، ما را به این نتیجه می‌رساند که یافته‌های پژوهش، نقصان تحلیل‌های اقتصادی و خطی از تجارب کارآفرینانه را نشان داده است و با

یافته‌های نظریه فلسفی جهان ریزومی ژیل دلوز و مفهوم گردونه بی‌مهار گیدنز همسو است. از این منظر، یافته مفهومی و نظری بدیع مطالعه حاضر، طرح مفهوم «جهان ریزومی کارآفرینی» یا «گردونه بی‌مهار کارآفرینی» است که با پس‌راندن چهره «الهه گون» کارآفرینی و تلقی نوش‌دارویی از تجارب کارآفرینی، ضرورت مطالعات انتقادی کارآفرینی را یادآور می‌شود. اگرچه جامعه‌شناسان مکتب انتقادی از دهه‌ها پیش ضرورت مواجهه انتقادی با تمام وجوه جهان مدرن را یادآور شده‌اند، اما از منظر انتقادی، وفق نظریه‌های انتقادی می‌توان استدلال کرد که ضرورت عبور از سیطره «عقلانیت ابزاری» حاکم بر جهان کارآفرینی و جایگزینی آن با سیطره «خرد» بیش از پیش احساس می‌شود تا ذیل سایه «خرد»، کارآفرینی در مسیری انسانی‌تر و عادلانه‌تر هدایت شود. البته این به معنای آن نیست که مطالعات انتقادی کارآفرینی صرفاً یادآور سویه تاریک کارآفرینی باشند. معتقدیم که مطالعه انتقادی کارآفرینی نباید اساساً با این فرض که کارآفرینی بد است یا اینکه «تله‌هایی» در آن دخیل است (و باید از آن‌ها اجتناب کرد)، به دنبال حذف آن باشد. مسلماً آن دسته از تحقیقاتی که «جنبه‌های تاریک» کارآفرینی را مورد بحث قرار می‌دهند، کاملاً موفق بوده‌اند. با این وجود، چنین مطالعاتی ممکن است این خطر را داشته باشند که این وظیفه حیاتی را به یک وظیفه تاریک تبدیل کنند و عمدتاً بر جنبه‌های منفی تأکید ورزند (Verduyn et al., 2017). بلکه باید بر رابطه دیالکتیکی بین کنش کارآفرینانه و محیط پیرامون تمرکز نمود و ضمن نقد تجارب کارآفرینانه، آن‌ها را در مسیر انسانی‌تر هدایت کرد. بر این اساس، در کارآفرینی با جهانی خطی مواجه نیستیم که کنش‌های کارآفرینانه را به‌سوی غایتی خاص و از پیش تعیین‌شده هدایت کند؛ بلکه کنش کارآفرینانه با اندیشه «ریزوماتیک» بیشتر قابل فهم است، زیرا کارآفرینی کنشی «هدف‌دار و قصدمند» اما با پیامدهایی ناخواسته و از پیش «نااندیشیده» است. کارآفرینی به‌جای آنکه نقطه پایانی تلقی شود، نقطه آغازهای متکثر پیش‌بینی نشده و نامشخص است؛ در این راستا هارت و نگری (Hardt & Negri, 2021) معتقدند که نتایج تولید نیز به‌سوی «اجتماعی شدن» میل کرده است. باید به‌جای آنکه کالاهای مادی یا غیرمادی را نقطه پایان تولید تلقی کنیم، آن را تولید روابط اجتماعی و نهایتاً خود حیات انسان (از مجرای کالاها) بدانیم. بدین معنا که می‌توان تولید معاصر را «انسان‌زا» یا «زیستی-سیاسی» خواند. به تأسی از آن‌ها می‌توان کارآفرینی را «انسان‌زا یا زیستی-سیاسی» تلقی نمود (Uyurkulak, 2023; Li, 2021).

مطالعات انتقادی کارآفرینی، کلید بازسازی کارآفرینی از منظر انسانی و زیست‌محیطی است. پارادایم مسلط بر کارآفرینی در کشور ما پارادایمی سخت «فرهنگ و اجتماع زوده» و شدیداً «اقتصاد زده» است. به‌عنوان نتیجه می‌توان اظهار داشت که کارآفرینی پدیده‌ای است که هم‌زمان هم «همسان‌زا» و «دگرزا» است. سیاست کارآفرینی بیشتر سیاست میل است؛ تخریب‌گر است تا نظام بخش، پیش‌بینی گریز است تا پیش‌بینی پذیر که در آن هرگونه نظم و نظهور به‌عنوان امری ناپایدار، نامشخص و همواره گشوده برای تبدیل شدن بیشتر در نظر گرفته می‌شود (Verduyn, 2015). از نظر دلوز، «زمان حال» در هر لحظه به دو جهت گرایش دارد: یکی از این جهات به گذشته جهت‌گیری دارد و گسترش می‌یابد و دیگری به‌نحو منقبض شده و در حال انقباض به‌سوی آینده است (Deleuze, 1988). کثرت، عدم قطعیت، خلاقیت و گشودگی مهم‌ترین ویژگی‌های آینده را تشکیل می‌دهند. هر کنش کارآفرینانه‌ای دو وضعیت دارد و شبیه تاسی است که پرتاب می‌شود: زمانی که کنش کارآفرینانه شروع می‌شود (تاس پرتاب می‌شود) شانس است و زمانی که کنش کارآفرینانه ثبات یافته و تداوم می‌یابد (تاس به زمین برخورد کرده است) وضعیت ضرورت حاکم است. کارآفرین پرتاب‌کننده تاس است و بر نتایج کنش کارآفرینانه خود کنترلی ندارد. تحلیل کارآفرینی از منظر انتقادی، مسیری نو در کارآفرینی را نوید خواهد داد؛ زیرا کارآفرین بودن در مطالعات متعارف کارآفرینی به‌مثابه ویژگی فرد تعریف شده است. مالکیت این دارایی در صورت فقدان نظارت، عرصه‌ای برای به‌استثمار کشیدن و طرد دیگری است. به‌عبارتی دیگر، کارآفرینی در دوگانه «طرد» و «تملک» ترکیب شده است. مطالعاتی از این دست می‌توانند آرایش کارآفرینی را بازترکیب کنند. امکان خلق صورت و فرم‌های دیگری از کارآفرینی وجود دارد؛ صورتی که توأمان هم «رشد و بهره‌وری اقتصادی» و هم «ارزش‌های انسانی» را مد نظر خویش قرار دهد. نسخه متعارف و مرسوم کارآفرینی و نئولیبرالیسم

¹ Anthropogenic

امروزه بر نت واحدی می‌نوازند و آن‌هم حذف پنهان و مشفقانه فقر و ارزش‌های انسانی است. تأکید ما بر آن است که مطالعات انتقادی کارآفرینی بستری مهم برای تأمل در مورد پیامدهای اجتماعی فعالیت کارآفرینی فراهم می‌کند، نه صرفاً ستایش آن به‌عنوان یک پدیده‌ی اقتصادی صرف. هدف ما تخطئه کارآفرینی نیست، بلکه نوید تحقق صورتی «انسانی‌تر و عادلانه‌تر» از کارآفرینی است. به تعبیری دیگر، مطالعه انتقادی کارآفرینی هم‌زمان دلالت‌های مثبت و منفی دارد؛ زیرا ما می‌توانیم آینده‌های دیگری را در نظر داشته باشیم که صرف تبلیغ آن ممکن است به تحققش کمک کند. آنچه نیاز داریم، ساخت الگوهای «واقع‌بینی تخیلی» است (Giddens, 1997). با استیضاح مداوم کارآفرینی به‌عنوان یک ضرورت، می‌توان پیامدهای نامطلوب آن را کاهش داد. به تعبیر دیگر، باید سیاست کارآفرینی را با «سیاست رهایی‌بخش» (فعالیت‌ها در جهت رفع نابرابری) و «سیاست زندگی» (تلاش برای توسعه امکانات برخورداری و زندگی رضایت‌بخش برای همگان) پیوند داد؛ یعنی اتخاذ سیاستی که بر پایه آن بتوان کارآفرینی را از «نو» تعریف نمود.

References

- Ahmadpour Daraiani, M. (2012). *Entrepreneurship: Definitions, theory and models*. Tehran: Jajarmi. [In Persian]
- Alavizadeh, S. (2017). Entrepreneurship and its role in sustainable rural development (Case study of Ilam province). *Ilam Culture*, 56-55(18), 154-170. [In Persian]
- Alizadeh Moghadam, S., Kord Naeij, A., Khodad Hosseini, S., & Mohammadian, A. (2023). A conceptual model of digital transformation strategy formation in clothing retail organizations. *Quarterly Journal of Entrepreneurship Development*, 16(4), 82-115. <https://doi.org/10.22059/jed.2023.366608.654278> [In Persian]
- Anbari, M., & Ayar, A. (2024). Interwoven in meta-economics: An analysis of economic action in Iran. *Sociological Studies (Former Journal of Social Sciences)*, 31(1), 167-189. <https://doi.org/10.22059/jsr.2024.372115.1945> [In Persian]
- Atkins, R., Cook, L., & Seamans, R. (2022). Discrimination in lending? Evidence from the paycheck protection program. *Small Business Economics*, 58(2), 843-865. <https://doi.org/10.1007/s11187-021-00533-1>
- Ayar, A. (2025). *The paradoxical coexistence of effort and poverty: An ethnographic study of the intertwining of economic action and poverty in the Middle Zagros*. Postdoctoral Project, University of Tehran: Institute of Social Studies and Research, University of Tehran. [In Persian]
- Davari, I., Ranjbar, M., & Tavaklan, A. (2023). Entrepreneurship and its role in rural economic development with emphasis on the role of tourism (Case study: East Azerbaijan Province). *Geographical Engineering of the Land*, 7(2), 351-366. <https://doi.org/10.2034/jget.2023.147995> [In Persian]
- Delbari, S. (2022). Entrepreneurial capacities in religious tourism and its cultural and social benefits. *Journal of Entrepreneurship Research*, 1(2), 71-85. <https://doi.org/10.22034/jer.2023.1972620.1012> [In Persian]
- Deleuze, G. (1988). *Spinoza: Practical philosophy*. City Lights Books.
- Eberhart, R., Aldrich, H. E., & Eisenhardt, K. M. (2022). Entrepreneurialism and society: An introduction. In *Entrepreneurialism and Society: New Theoretical Perspectives*. 1-11. <https://doi.org/10.1108/S0733-558X20220000081001>
- Emami, M., & Karbasian, M. (2025). The Interaction between Women's Social Entrepreneurship in Iran and Structural and Cultural Factors: Applying Giddens' Structuration Theory. *Scientific-Research Quarterly of Social Sciences, Islamic Azad University, Shushtar Branch*, 19(2), 69-93. <https://ensani.ir/file/download/article/1773138024-69aff06878263-9861-1404-9.pdf> [In Persian]
- Farhadi, K., & Mirzaei, M. (2017). Photographic entrepreneurship: A phenomenological inquiry into indigenous entrepreneurship. *Welfare and Social Development Planning*, 8(31), 117-167. <https://doi.org/10.22054/qjsd.2017.8251> [In Persian]
- Ghazeli, F., Hosseini Shakib, M., & Khamseh, A. (2025). Resilience model of businesses based on social entrepreneurship: A mixed research. *Journal of Entrepreneurship Research*, 4(1), 93-114. <https://doi.org/10.22034/jer.2024.2032478.1137> [In Persian]
- Giddens, A. (1997). *The consequences of modernity (M. Salasi, Trans.)*. Tehran: Markaz Publishing House. [In Persian]
- Hidalgo, G., Monticelli, J. M., & Vargas Bortolaso, I. (2024). Social capital as a driver of social entrepreneurship. *Journal of Social Entrepreneurship*, 15(1), 182-205. <https://doi.org/10.1080/19420676.2021.1951819>
- Imani, A., Sedaghati Mokhtari, S., & Mohammadi, Z. (2025). Developing a policy model for entrepreneurship development in the Imam Khomeini Relief Committee of Sistan and Baluchestan Province. *Journal of Entrepreneurship Research*, 3(4), 1-26. <https://doi.org/10.22034/jer.2024.715355> [In Persian]
- Kazemi, Z., Askarifar, K., & Ebrahimi, A. (2024). Identifying marketing capabilities in the life cycle of new businesses. *Quarterly Journal of Entrepreneurship Development*, 17(1), 162-191. <https://doi.org/10.22059/jed.2024.370261.654313> [In Persian]
- Li, J. (2021). The somaesthetics of the multitude: The politico-aesthetic logic of Antonio Negri and Michael Hardt in constructing the subjecthood. *Theoretical Studies in Literature and Art*, 41(2), 211-224. <https://tsla.researchcommons.org/journal/vol41/iss2/21>

- Moghim, S. F., Shirvani-Jozani, A., & Alipour-Darvish, Z. (2019). Analysis of the phenomenon of influenza and entrepreneurial avoidance mentality among children of entrepreneurs (Using data-based theory). *Quarterly Journal of Entrepreneurship Development*, 13(4), 581-600. <https://doi.org/10.22059/jed.2020.310142.653458> [In Persian]
- Mohammdpour, A. (2017). *A philosophical narrative of history: From Herodotus to Alain Badiou*. Tehran: Logos. [In Persian]
- Naderi, N., Khosravi, E., & Karmian, F. (2024). The organization pattern of street child labor in Kermanshah province: Providing recommendations based on the development of entrepreneurial skills. *Journal of Entrepreneurship Research*, 3(1), 57-76. <https://doi.org/10.22034/jer.2023.563461.1005> [In Persian]
- Nolan, P., & Lenski, G. (2008). *Human societies: An introduction to macrosociology* (N. Moafaqian, Trans.). Tehran: Nei Publications.
- Nouri, M., Saymohammadi, S., & Shiri, N. (2023). Strategic analysis of the development of healthy agricultural businesses in Ilam province. *Journal of Entrepreneurship Research*, 2(4), 83-99. <https://doi.org/10.22034/jer.2024.2020349.1076> [In Persian]
- Pourjamshidi, H., Rezaei, B., & Naderi, N. (2022). Designing a conceptual model of barriers to the development of business coaching in the Iranian market. *Quarterly Journal of Entrepreneurship Development*, 15(4), 615-624. <https://doi.org/10.22059/jed.2022.344622.653984> [In Persian]
- Ramzbari, N., Fazalazadeh, A., Naqdi, S., & Ahmadian, V. (2023). Challenges facing the development of FinTech business models: A systematic review of the literature. *Journal of Entrepreneurship Development*, 16(2), 35-48. <https://doi.org/10.22059/jed.2023.340654.653923> [In Persian]
- Reid, S. R. M. (2018). Critical perspectives on entrepreneurship: Challenging dominant discourses. *Scandinavian Journal of Hospitality and Tourism*, 18(1), S109-S111. <https://doi.org/10.1080/15022250.2018.1503093>
- Ritzer, G. (2013). *Contemporary sociological theory and classical roots* (K. Mirzaei & A. Baghaei Sarabi, Trans.). Tehran: Jameshnasan. [In Persian]
- Rostamian, A., & Motavasali, M. (2024). Hermeneutic praxeology and entrepreneurial action. *Quarterly Scientific Research Journal of Entrepreneurship Development*, 17(3), 1-21. <https://doi.org/10.22059/jed.2024.364827.654265> [In Persian]
- Shayani Majd, D. (2025). Studying the rhizomatic concept from Gilles Deleuze's perspective in interactive performance directing. *Advanced Studies of Art Quarterly*, 7(13), 73-88. <http://art-studies.ir/article-1-154-fa.html> [In Persian]
- Swedberg, R. (2005). The economic sociology of capitalism: An introduction and agenda. In V. Nee & R. Swedberg (Eds.). *The economic sociology of capitalism*, 1-26. Princeton University Press.
- Taheri, A., & Bashkoh, M. (2023). Identifying the effective drivers of digital marketing in the entry of women covered by the relief committee into home businesses. *Quarterly Scientific Research Journal of Entrepreneurship Development*, 16(5), 1-25. <https://doi.org/10.22059/jed.2024.369121.654300> [In Persian]
- Tedmanson, D., Verduyn, K., Essers, C., & Gartner, W. B. (2012). Critical perspectives in entrepreneurship research. *Organization*, 19(5), 531-541. <https://doi.org/10.1177/1350508412458495>
- Uyurkulak, S. (2023). The political ontology of Michael Hardt and Antonio Negri. *Fırat Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 33(1), 125-134. <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/2500764#3#1>
- Verduyn, K. (2015). Entrepreneurship and process: A Lefebvrian perspective. *International Small Business Journal: Researching Entrepreneurship*, 33(6), 638-648. <https://doi.org/10.1177/0266242614559059>
- Verduyn, K., Dey, P., & Tedmanson, D. (2017). A critical understanding of entrepreneurship. *Review of Entrepreneurship*, 1(17), 37-45. <https://doi.org/10.3917/entre.161.0037>
- Verduyn, K., Dey, P., Essers, C., & Tedmanson, D. (2014). Emancipation and/or oppression? Conceptualizing dimensions of criticality in entrepreneurship studies. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, 20(2). <https://doi.org/10.1177/1350508412458495>
- Weiss, T., Eberhart, R., Lounsbury, M., Nelson, A., Rindova, V., Meyer, J., Bromley, P., Atkins, R., Ruebottom, T., Jennings, J., Jennings, D., Toubiana, M., Slade Shantz, A., Khorasani, N., Wadhwani, D., Tucker, H., Kirsch, D., Goldfarb, B., Aldrich, H., & Aldrich, D. (2023). The social effects of entrepreneurship on society and some potential remedies: Four provocations. *Journal of Management Inquiry*, 32(4), 251-277. <https://doi.org/10.1177/10564926231181555>
- Zamani Jamshidi, M., & Sharifzade, R. (2017). Rhizome-network: A comparative study of Gilles Deleuze and Bruno Latour's ontology. *Knowledge*, 77(1), 159-184. [In Persian]
- Zeighami, R. (2010). Rhizomatic thought and nursing. *Iranian Journal of Nursing*, 23(66), 32-42. <http://ijn.iuums.ac.ir/article-1-868-fa.html> [In Persian]